



۲۴ ذیماه ۱۳۵۷ شمسی
 ۱۵ صفر ۱۳۹۹ لمری
 ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ میلادی
 بهدازنظر
 بکشبه

مذکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات جلسه فوق العاده مجلس شورای ملی بهدازنظر بکشبه (۲۴) دیماه ۱۳۵۷ شمسی

فهرست مطالب:

۱- عباس میرزائی - حسن ملکشاهی - دکتر صدیق اسفندیاری.

۲- تقدیم تذکرنامه بوسیله آقایان: محمدشهرستانی -

حبیب بهار - دکتر ضیائی - پروفسور یغمائی - احمد صبوری

یزدی - مهین افشار جعفری.

۳- اعلام دستور و تعیین موقع جلسه آینده - پایان جلسه

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

۲- دنباله بحث درباره برنامه دولت آقای دکتر شاپور

بختیار بوسیله آقایان: غلامرضا اخلاق پور - دکتر دارپوش

شیروانی (اخطار نظامنامه ای آقای دکتر موسی درودی)

دکتر طهمورت فروزین - حسین علی سلیمانی - محمدحسین

جلسه ساعت دو و چهل دقیقه بعد از ظهر بریاست آقای دکتر حسین خطیبی نایب رئیس تشکیل شد

دکتر طهمورت فروزین - حسین علی سلیمانی - محمدحسین

عباس میرزائی - حسن ملکشاهی - دکتر صدیق اسفندیاری.

نایب رئیس - بحث در برنامه دولت را ادامه میدهم

آقای اخلاقپور بفرمائید.

غلامرضا اخلاقپور - جناب آقای رئیس همکاران ارجمند

و حضار گرامی در این سرزمین کهن و تاریخی بارها وقایع

گونگون و ناگواری رخ داده که هر بار باسر بلندی از

بونه آزمایش بیرون آمده و دلاوزان و جانباذانی مانع از آن

گردیده اند که این میراث ناکان سقوط و نام ایران از

نقشه جهان محو گردد اگر در بعضی از موارد بنا بعلل و

جهاتی مملکت عزیز ما برای مدتی در تحت تسلط

و اشغال اجانب قرار گرفته است خوشبختانه دیری نپائیده

که مردانی دلاور و شجاع و از جان گذشته دست از آستین

مردانگی و دلاوری بیرون آورده و باقیام دلیرانه خود

متجاوزین را تار و مار و مملکت را از سقوط حتمی نجات

داده اند در تاریخ خوانده ایم که بارها مملکت ایران مورد

تاخت و تاز اجانب چون اسکندر مقدونی و چنگیزخان و

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل.

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل قرائت میشود.

(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه آقایان: آرمودت دکتر ابوالهدی -

اخباری - اردلان - دکتر اسفندیاری - جهانشاه افشار - بارک زهی -

بنی احمد - بردلی - پیشوائی - پیرزاده دکتر تجدد -

توتونچیان - کاظم جزایری - حجتی - ختیمه - دکتر دادفر -

ذوالفقاری دکتر رئیس - رهبر - ساری اصلانی - ساگینیان -

سعیدی - سید کلال - سیفی - شهابی - رحیم شیخ الاسلامی -

صحرائی - طباطبائی - عطارد - فلاح مقدم - قوامی - کبیری -

کیوانه - دکتر محققی - دکتر مشیر - مظفری - منصوریان -

مهرزاد - میرزالیو - میرالاشاری - ناظمی - وشمگیر - پروفسور

یغمائی - ریاضی.

خانم ها: اباصلتی - آقایان: جهانبانی - داودی -

زاهدی ضربائی - کمالی آزاد - نائینی طباً.

۲- دنباله بحث درباره برنامه دولت آقای دکتر شاپور

بختیار بوسیله آقایان: غلامرضا اخلاق پور - دکتر دارپوش

شیروانی (اخطار نظامنامه ای آقای دکتر موسی درودی)

اعراب و مغول و غیره قرار گرفته و مدت‌ها هم تحت اشغال بوده ولی بر اثر قیام مردانه مردم این مملکت کهن اجانب نتوانستند تمامی آنرا اشغال نمایند. و نام افرادی چون یعقوب لیث صفار و نادرشاه افشار که در کوتاه کردن دست اجانب و حفظ استقلال این مملکت سهمی بسزا داشته‌اند در تاریخ جاویدان ایران باقی خواهد ماند و بالعکس مملکت ایران افرادی چون شاه سلطان حسین هم داشته است که مملکت و تاج و تخت را به محمود افغان تسلیم نموده که تاریخ هم درباره او هم قضاوت خواهد کرد و ایرانی اصیل نه حاضر است که مملکتش را با اجانب واگذار نماید نه تن در خواهد داد که منافع ملی و میهنی را که متعلق بعموم ایرانیان است در قبال چند روز حکومت با اجانب و استعمارگران بدهد متأسفانه دیدیم که عده‌ای بظاهر ایرانی و وطن خواه برای مدتی که در مقامات اجرائی مشغول کار بودند با بستن قراردادهای مضرت‌گست از منافع ملی و محصولات نفتی این مملکت را به ثمن بخش با استعمارگران و متجاوزان واگذار نمودند. و آنوقت هم مشخص نیست که وجوه دریافتی از بابت فروش نفت را به چه مصارفی رسانیده‌اند و باینکه در این مورد از دولت سئوالاتی بعمل آمده معلوم نیست که چرا مسئولان امور از دادن پاسخ خودداری مینمایند و برخی دیگر از این با اصطلاح ایرانیان بدون توجه به اوضاع و احوال کشور بقرارت اموال مردم و برداشت از بیت المال مشغول و فرار را بر قرار ترجیح داده و راهی ممالک دیگر گردیده‌اند.

یکتفر از نمایندگان - پس بایستند؟

اخلاق‌پور - من و شما هم باید می‌رفتیم ولی با دست‌خالی و تنی چند نیز از این متجاوزان فعلاً باستناد ماده ۱۰ قانون حکومت نظامی بازداشت و بحال بلا تکلیفی بصرمی‌برند و مردم هم از این وضع آشفته و نابسامان به تنگ آمده و دست با انقلاب زدند و عده زیادی بر اثر وقوع این انقلاب ملی و میهنی که هنوز هم ادامه دارد جان خود را فدا نمودند باید متوجه بود که در انقلاب مشروطه مستبدین و مشروطه خواهان مسلح بودند و با اسلحه گرم یکدیگر حمله مینمودند ولی این انقلاب ملی از نیروی لایزال معنویت سرچشمه گرفته و افراد با ایمان بدون استفاده از اسلحه گرم فقط با تکاء وجدان و برخورداری از نیروی خدائی بمقابله با گلوله و توپ و

تانک پرداخته و در اغلب موارد هم ضمن دادن قربانی‌ها موفق گردیده‌اند جای تأسف است که بعضی از دول می‌خواهند باین انقلاب ملی رنگی دیگر بدهند و با دخالت خود در آن با اصطلاح سرنوشت ساز باشند این دول بظاهر دلسوز و در باطن امر استعمارگر باید متوجه باشند که ایرانی بیدار است و دیگر امکان ندارد بخواب غفلت فرو رود و فرصت طلبان هم بغارت منابع ملی این سرزمین کهن ادامه دهند. (صحیح است) جهت ملت ایران اجنبی همان اجنبی است و برای او انگلیس و شوروی و آمریکا فرقی نمیکند.

دکتر طبیب - مرا بخیر تو امید نیست شمرسان.

اخلاق‌پور - همین انگلیس و روسیه تزاری بودند که در سال‌های ۱۹۰۷ و ۱۹۱۹ میلادی می‌خواستند ایران را بدو منطقه نفوذی بین خود تقسیم نمایند که میهن خواهان واقعی مقاومت نموده و مانع از اجرای چنین نقشه شومی شدند حالا باز هم مشاهده میکنیم که همسایه نیرومند شمالی ما بعد از اینکه آمریکا در امور داخلی ایران مداخله مینماید در صدد اعتراض برآمده و در ضمن از این انقلاب پشتیبانی و آزادی خواهان را تشویق میکنند بطوریکه حضار محترم میدانند در زمان حکومت قاجار بعلت سهل‌انگاری و عیاشی و سستی پاره‌ای از زعمای قوم روسیه تزاری هفده شهر از ایران را بموجب عهدنامه‌ای تصرف و از بازپس دادن آن شهرها خودداری نمود اگر دولت سوسیالیستی شوروی که جانشین دولت استبدادی تزاری روس گردیده با استقلال ممالک دیگر و دفاع از آزادی معتقد است و بهیچوجه اجازه نمیدهد که ممالک همچوار

یا آمریکا و انگلستان در امور داخلی ایران مداخله نمایند از خود گذشتگی نشان بدهد و هفده شهر متعلق بایران را بخاک اصلی آن یعنی ایران عزیز ضمیمه نماید اینان یعنی انگلستان و آمریکا و شوروی برای ما دایه مهربان تراز مادر گردیده‌اند و باید بدانند که انقلاب فعلی ایران مربوط است به خود ملت و این ملت است که در سرنوشت خویش مداخله مینماید و هرگز اجازه نخواهد داد که دیگران برایش سرنوشت ساز باشند و برای جلوگیری از دخالت اجانب و رفع نگرانی‌ها و کوتاه کردن ایادی خائنان و بر طرف ساختن مشکلات موجود و مخصوصاً رهاندن مملکت از بلا تکلیفی و خاتمه دادن باین کشت و کشتارها و توجه باینکه هرچه این وضع ناگوار و کشت و کشتارها ادامه یابد فرصت طلبان از آن استفاده خواهند نمود و ممکن است که وضع را به نفع خود تغییر دهند. بی‌شک فکر حفظ بقاء مملکت و جلوگیری از تجزیه آن

بیفتیم و اختلاف سلیقه‌ها را کنار بگذاریم و با بکار بردن روش‌ها و تدابیر متین و عقلانی و ایجاد وحدت نظر و هم‌آهنگی در صدد چاره جوئی برآئیم و نگذاریم فرصت‌ها ضایع و اوقات گرانبه‌ای که در جهت سازندگی مؤثر است به‌در رود دشمنان ملک و ملت با طرح نقشه‌های خطرناک در کمین هستند که باز هم بر جان و مال و ناموس افراد این سرزمین مسلط و با کمک اجانب نقشه‌های شوم خود را اجرا نمایند متجاوزین بدون تردید از توسل بهرگونه دسیسه و توطئه‌ای برای پیش برد منظور پلید خود فروگذار نیستند و با بهره‌گیری از شیوه نامطلوب تفرقه بینداز و حکومت کن سعی میکنند بین مردم و گروه‌های مختلف و ارتش دلیر اختلاف بیفکنند زیرا هرچه دامنه این اختلافات وسیع‌تر و زمان بیشتری را در برداشته باشد مطمئناً خائنان فرصت طلب زودتر در صفوف فشرده مردم رخنه نموده و بمقصود خود نائل خواهند گردید برابر با مندرجات بعضی از صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی عده‌ای از نمایندگان از همان ابتداء بیست و چهارمین دوره قانونگذاری رسالت و وظایف نمایندگی خود را بخوبی انجام داده و خواسته‌های مردم و کم کاری مسئولان امور را بموقع اعلام و مسبب تیره‌روزی و متجاوزان بحقوق ملت را بمردم معرفی نموده‌اند

یکتفر از نمایندگان - چرا عده‌ای؟

توکلی - شما جزو آن «عده‌ای» هستید یا نه؟

اخلاق‌پور - من موجود زنده‌ای هستم که نفس میکشم و بالاخره بر اثر ایرادات و انتقادات شدید عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی و فشار افکار عمومی دولت‌های امیر عباس هویدا و جمشید آموزگار و مهندس جعفر شریف‌امامی و ارتشبد غلامرضا ازهارای یکی پس از دیگری مجبور باستعفاء گردیدند آری وقتی که سیاست‌های دروغین جایگزین سیاست‌های حقیقی گردد معلوم است که چه وقایع ناگواری را در بردارد متأسفانه هر دولتی که بمصدر کار میگردد بدون رعایت قانون اساسی سیاست خاصی را برای خود قائل میشود که معمولاً بین دو دولت یک سیاست واحدی حکم‌فرما نیست و محققاً در این شرایط مختلف تضادهائی که منظم تصبیح حقوق مردم است و منجر به کشمکش‌ها و عدم رضایت‌ها میگردد بوجود خواهد آمد گرچه تاکنون برای واژه سیاست تعریف جامعی بعمل نیامده و هر فرد یا گروه و جمعیتی بنحوی آنرا تفسیر و تجزیه و تحلیل مینمایند که غالباً هم با یکدیگر مطابقتی ندارند و هر کشور بنا بر عرف و عادت و سنت دارای سیاست

مخصوص به خود میباشد رویهمرفته میتوان گفت که سیاست عبارت است از اتخاذ تدابیر و روش‌هایی بر اساس اصول مسلمه جهت اداره نمودن مملکت، و این تدابیر و روش‌ها باید بر اساس اصول مسلمه‌ایکه بصورت قانون اساسی تدوین گردیده اتخاذ گردد یعنی هر تصمیمی میبایست با موازین قانون اساسی و متمم آن گرفته شود اگر دولت‌ها مبنای کار خود را بر این روش قرار دهند و همیشه در مسیر قانون اساسی و متمم آن قرار گیرند واضح است که کمتر با تضادها و عدم هم‌آهنگی‌ها مواجه خواهند گردید متأسفانه در پاره‌ای از موارد بعضی از سیاستمداران و یا مسئولان و مأموران اجرائی بعد از اینکه سیاست اقتضاء میکند که چنین و یا چنان شود بدون اینکه سیاست متخذه با اصول قانون اساسی و متمم آن قابل انطباق باشد کاری انجام میدهند که باعث گرفتاریها و درهم ریختن شیرازه نظم اوضاع مملکت میگردد بدون تردید سیاست از قانون اساسی جدا نیست و سیاست باید از اصول قانون اساسی و متمم آن که سلاک تهیه قوانین عادی است پیروی نموده و منبسط از آن باشد نه اینکه از اجرای قانون اساسی بعلت اقتضای سیاست غیراصولی خودداری و در واقع اصل را فدای فرع نمایند و نمایان‌ترین حقیقت انکار ناپذیر را باید از لابلای قوانین عادی و نحوه اجرای آنها جستجو کرد گاهی قوانین مطابق است با اصول قانون اساسی و متمم آن و زمانی مخالف و مغایر آن و محققاً بروز این قبیل اختلافات ناشی از اتخاذ سیاست‌های گوناگون است که بعضاً با قانون اساسی انطباقی ندارد و باعث کشمکش‌ها و عدم رضایت‌ها و بالاخره موجب عصبان و انقلاب مینگردد اگر قوانین عادی بر طبق اصول قانون اساسی و متمم آن وضع و تصویب شود بدون تردید کمتر ناظر وقایع ناگوار خواهیم بود متأسفانه در قانون اساسی و متمم آن تضاد و نارسائی‌هایی بیچشم می‌خورد که باید مورد تجدید نظر قرار گیرد و مرجعی نیز میبایست جهت جلوگیری از اجرای قوانین مخالف با قانون اساسی و متمم آن مانند بعضی از ممالک دیگر در قانون اساسی پیش‌بینی گردد، قانون اساسی و متمم آن خون‌بهای نیاکان ما است و افرادی چون ستار خان و باقرخان و دیگر مجاهدان جهت تحصیل آن جان فشانی‌ها نموده‌اند و حضرات حجج اسلام و آیات عظام یعنی سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبائی بر آن صحه گذاشته‌اند حال اگر در این مدت هفتاد و اندی سال که از تاریخ تصویب قانون اساسی میگذرد و بعضی از اصول آنرا اجرا نموده

و یا در پاره‌ای از موارد برخلاف آن اقدام کرده‌اند این عیب از قانون اساسی نیست بلکه تقصیر متوجه کسانی است که این امانت نیاکان را مورد تجاوز و خیانت قرار داده‌اند.

رحیمی لاریجانی - آقای رئیس، بقیه نمایندگان کجا هستند؟ (عده حاضر در جلسه ۱۸۰ نفر بودند)

نایب رئیس - باهر تعداد، جلسه رسمیت دارد، رأی که نمی‌خواهیم بگیریم.

اخلاق‌پور - می‌خواهم این نکته اساسی را بجانب آقای دکتر بختیار نخست‌وزیر محترم تذکر دهم که فساد و عدم لیاقت دولت‌ها که منجر بوقایع اخیر گردیده منحصر به بیست و پنج سال اخیر نیست و بدون تردید عدم اجرای قانون اساسی و تجاوز بحریم آن نیز از مصادیق فساد محسوب که متأسفانه بسال‌های ۳۲۰۳۱ و قبل از آن نیز مربوط میشود گرچه قبلاً در برنامه دولت ارتشید از هاری بتفصیل در این باره بحث نموده‌ام و تکرار آن را بنحو کامل ضروری نمیدانم ولی چون در برنامه دولت جناب آقای دکتر شاپور بختیار برعایت قانون اساسی و اجرای صحیح آن اشاراتی شده روی این اصل از نظر آگاهی ایشان ناگزیر هستم که به تشریح شمه‌ای از آن بپردازم.

آصف - یکبار دیگر هم خوانده بودید.
توکلی - ما هر چه یاد گرفته‌ایم از شما یاد گرفته‌ایم.
اخلاق‌پور - ولی من از دیگران یاد گرفته‌ام و از شما یاد نگرفته‌ام.

طبق اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی، قوای مملکت ناشی از ملت است طریقه استعمال آن قوا را قانون اساسی معین مینماید، و این اصل در اصطلاح حقوقی و سیاسی باصل حاکمیت ملی معروف است و بدون تردید بوجود آورنده قوای مملکتی خود ملت است. فرد یا افرادی قادر نیستند چنین قوایی را بوجود آورند و برابر یا اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی به سه شعبه تجزیه میشود: اول قوه مقننه که مخصوص است بوضع و تهذیب قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلیحضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا، دوم - قوه قضائیه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شریعت و به محاکم عدلیه در عرفیات، سیم قوه اجرائیه که مخصوص پادشاه است و طبق اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی قوای ثلاثه مزبور همیشه از یکدیگر ممتاز و منفصل خواهد بود. با توجه باصول یاد شده هیچیک از قوای سه‌گانه حق ندارند در یکدیگر دخالت نمایند روی این اصل نه دولت

میتواند در قوای مقننه و قضائیه دخالت و وظایف آنها را اعم از کلی و جزئی انجام دهد و نه مجلسین شورای ملی و سنا مجازند که تمام یا قسمتی از اختیارات قانونگذاری خود را به قوه مجریه یا قوه قضائیه تفویض نمایند زیرا علاوه بر تائید صریح اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی اصولاً در قانون اساسی و متمم آن حق توکیل بغير پیش‌بینی نگردیده است متأسفانه از تاریخ برقراری حکومت مشروطه بارها بعضی از دولت‌ها از مجلس شورای ملی یا مجلسین کسب اختیاراتی نموده‌اند و لوایح خود را فقط از طریق کمیسیون‌ها یا رأساً تصویب و پس از اجراء و مدتی آزمایش آنها را جهت تصویب نهائی به مجلسین تسلیم مینمایند بطور مسلم اقدام باین طریق محفل قانونی نداشته و مخالف اصول یاد شده و مغایر با اصل هفتم متمم قانون اساسی است که مقرر میدارد: اساس مشروطیت جزء و کلاً تعطیل بردار نیست زیرا کسب اختیار از مجلس یا مجلسین برای مدتی معین جهت تهیه لوایح قانونی و اجراء آن از طرف کسب‌کننده اختیارات اولاً تداخل قوای مقننه و مجریه در یکدیگر بوده که این عمل منافی و مغایر با اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی است ثانیاً کسب اختیارات جهت تهیه لوایح قانونی مجاز برای مدتی که کسب اختیار گردیده مجلسین را از انجام وظایف قانونی خود باز داشته و عملاً تعطیل نموده است که عمل مذکور برخلاف اصل هفتم متمم قانون اساسی مینماید که مذکور افتاد متأسفانه باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که عدم رعایت قانون اساسی و متمم آن سابقه بس طولانی دارد که تسری پیدا میکند باواثل حکومت مشروطه که اشاره بتمام مواردی که اتفاق افتاده وقت زیادی را در بر خواهد گرفت و از حوصله این مجلس هم خارج است و ناگزیر از ذکر تمام موارد بعلت ضیق وقت خودداری میشود و برخلاف انتظار قانون اساسی و متمم آن نیز در زمان حکومت دکتر محمد مصدق که خداوند تعالی غریق زحمتش بگرداند مصون از تعرض نبوده و شاید آن مرحوم میخواست است که با کسب اختیارات لازم اصلاحات اساسی را که فوریت آن ایجاب کسب اختیارات مینموده درصدد رفع معایب و فساد موجود در کشور برآید هر چند این نیت خیرخواهانه در خور تحسین و قابل تقدیس مینماید ولی این بدان معنی نیست که ما برای پیشرفت امور و رفع فساد مبارزه با متجاوزین بحقوق مردم بحریم قانون اساسی نیرتجاوز کنیم و مرحوم دکتر محمد مصدق

نخست وزیر وقت بدون رعایت اصول هفتم و بیست و هشتم متمم قانون اساسی دوبار از مجلس شورای ملی کسب اختیارات نموده است یک بار بموجب ماده واحده مصوب ۱۲ ارداد ۱۳۳۱ بمدت شش ماه و باز دوم بمدت یکسال که ماده واحده و همچنین مجوز تمدید آن عیناً جهت حفظ احترام اعلام میگردد ماده واحده بشخص آقای دکتر مصدق نخست وزیر اختیار داده میشود که از تاریخ تصویب این قانون تا مدت شش ماه لوایحی که برای اجراء مواد نه گانه برنامه دولت ضروری است... تهیه نموده و پس از آزمایش آنها را منتهی در ظرف شش ماه که مدت این اختیارات است تقدیم مجلس نمایند و تاموقعی که تکلیف آنها در مجلس معین نشده لازم الاجراء است. نایب رئیس مجلس شورای ملی. احمد رضوی

محمد تقی شریعت آن موقع تعداد نمایندگان چقدر بوده است؟

یکنفر از نمایندگان - ۷۳ نفر.
مهندس صائبی - ۲۳۰ نفر..

اخلاق‌پور - آن موقع با ۷۳ نفر مردمی بودند! ولی حالا با ۲۶۸ نفر ما مردمی نیستیم! (بقول مردم)... و اختیارات حاصله مجدداً برلبر باناده واحده مصوب ۳۰ دیماه ۱۳۳۱ برای یک سال دیگر تمدید شده است و در خلال این مدت ها لوایح قانونی متعددی در حدود اختیارات حاصله از طرف مرحوم دکتر محمد مصدق وضع و تصویب و بمنظور آزمایشی اجرا گردیده در واقع آن مرحوم هم مقنن بوده و لوایح قانونی وضع و تصویب مینموده و هم مجری لوایح قانونی مصوبه خود بوده است که اقدام باین عمل همانطور که گفته شده برخلاف اصل تفکیک قوا سایر مقررات مربوط مینماید، گرچه در برنامه دولت ارتشید از هاری بدولت جناب آقای دکتر علی امینی هم اشاره‌ای گردید و نظر داشتیم که مجدداً بدولت ایشان از نظر عدم رعایت قانون اساسی ایرادی گرفته باشم و فکر میکردم که لااقل با مطالعه صورت مشروح مذاکرات شماره ۱۹۷ و ۱۹۸ قانع و دیگر درصدد دفاع از قانون اساسی بر نیایند ولی این حق برای هر فردی هست که هرآینه خود در زمان اجرای قوانین اگر مرتکب اعمالی برخلاف قانون اساسی و متمم آن گردید بعد از پی بردن به آن درصدد جبران ماقات برآید من از اینکه بی بینم جناب آقای دکتر علی امینی طرفدار جدی قانون اساسی گردیده و عدم اجراء و تحریم آنرا موجب اشاعه فساد و گرفتاریهای مردم میدانند خیلی خوشحال هستم و پیام مورخ ۲۰ دیماه ۱۳۵۷، مشارالیه را تحت عنوان: نقش من در وقایع اخیر چه بود

خطاب بملت ایران مندرج در روزنامه مورخ پنجشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۷ بدقت مطالعه نمودم: جناب آقای دکتر علی امینی در یک قسمت از پیام خود ضمن اشاره بوضع آشفته کشور و ورشکستگی مالی و اخلاقی و بستن زبان‌ها و شکستن قلم‌ها فرموده‌اند که: قانون اساسی با شدت و سرعت هرچه بیشتر تضعیف شد، حال به بینیم کسیکه خود از تضعیف گردید قانون اساسی رنج می‌برد و باصطلاح آرا نوعی زنب لایقتر میدانند خودشان در مقام نخست وزیری باقانون اساسی چه عملی را انجام داده‌اند، (آصف) تعطیلش کرد آقا! جناب آقای دکتر علی امینی در تاریخ روز ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ دولت خود را تشکیل داد و بدون اینکه دولت را برای طرح برنامه و اخذ رأی اعتماد به مجلسین معرفی نماید در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۰ یعنی بعد از سه روز فرمان انحلال مجلسین را انتشار داد و در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۴۱ پس از یک سال و دو ماه نخست‌وزیری بعلت مشکلاتی که در کار بودجه مملکت بوجود آمد و قادر نبود آنرا مرتفع سازد از سمت خود استعفا داد و در این مدت یکسال و دو ماه بدون وجود مجلسین بکار مملکت داری اشتغال ورزید و جنابان آقایان نواب صفوا و تیمساریات نمایندگان محترم مجلس درباره کارهای خلاف جناب دکتر امینی و ضررهای را که از طریق واگذاری امتیاز نفت بخارجی‌ها متوجه مملکت ایران نمود به تفصیل بحث نموده‌اند من فقط با توجه بضیق وقت به تشریح عمل خلاف قانون اساسی ایشان اشاره میکنم، طبق اصل چهل و هشتم قانون اساسی، اعلیحضرت همایون شاهنشاهی میتواند هریک از مجلسین شورای ملی و مجلس سنا را جداگانه و یا هر دو مجلس را در آن واحد منحل سازد. در هر مورد که مجلسین یا یکی از آنها بموجب فرمان همایونی منحل میگردد باید در همان فرمان انحلال علت انحلال ذکر شده و امر بتجدید انتخابات نیز بشود انتخابات جدید در ظرف یکماه از تاریخ صدور فرمان شروع شده و مجلس یا مجلسین جدید در ظرف سه ماه از تاریخ مزبور باید منعقد گردد.

آصف - حالا که دکتر امینی جزو کابینه نیست.
اخلاق‌پور - اجازه بدهید مسائل را روشن کنم.
شریعت - اصل مطلب را بفرمائید.

اخلاق‌پور - شما را بخدا دست از سرم بردارید و مرا از اصل قضیه پرت نکنید (خنده نمایندگان) لازم بنظر میرسد که بمواد ۸۲ و ۸۳ قانون مجازات عمومی هم که بی ارتباط با بحث ما نیست اشاره‌ای بشود - ماده ۸۲ - هریک از وزراء و اعضاء پارلمان و صاحب

منصبان و مأمورین دولتی که برضد حکومت ملی قیام نمایند یا حکم قیام را بدهد محکوم باعدام است. ماده ۸۳ - هر یک از اشخاص مذکور در ماده قبل که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد را سلب کند یا افراد ملت را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده محروم نماید از شغل خود منصرف و از ه تا ده سال از حقوق اجتماعی محروم خواهد شد، باینکه جناب آقای دکتر علی امینی بنا بصراحت و تأکید اصل چهارم و هشتم قانون اساسی مکلف بوده است که ظرف یک ماه از تاریخ انحلال مجلسین مقدمات انجام امر انتخابات را مهیا و تا سه ماه از تاریخ مزبور موجبات گشایش مجلسین را فراهم سازد ایشان باین وظیفه ملی و مقامی نه پرداخته و بنا بمیل و اراده شخصی خود با زیر پا گذاشتن اصل چهارم و هشتم قانون اساسی تا پایان نخست وزیری خویش از تشکیل مجلسین جلوگیری و مرتکب جرم گردیدند اگر دولت‌های بعدی قانون اساسی را تضعیف نمودند ولی باید متوجه بود که جناب آقای دکتر علی امینی آنرا با عدم اجرا زیر پا گذارد، میدانم که سبب زرم آراء نخست وزیر وقت بدست استاد خلیل طهماسبی کشته شد باید بگویم من بهیچوجه درصدد انتقاد یا دفاع از سبب زرم آراء یا خلیل طهماسبی نیستم و اگر اشاره‌ای بمواردی که ارتباط با آنها دارد مینمایم صرفاً از نظر عدم رعایت قانون اساسی است، در تاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۳۱ شرح مندرج در صورت مشروح مذاکرات مربوط به جلسه ۲۴ عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس شورای ملی طرحی باین شرح: چون افرادی که ثابت بشود علیه ملت و منافع اجتماع قیام بنفع بیگانه بنمایند در هر مسلک و مذهب مهدورالدم هستند لذا ما امضاء کنندگان ذیل ماده واحده را با قید سه فوریت تقدیم میداریم **ماده واحده** - چون خیانت حاجیعلی زرم آرا و حمایت او از اجانب بر ملت ایران ثابت است بر فرض اینکه قاتل او استاد خلیل طهماسبی باشد از نظر ملت بیگناه و تبرئه شده شناخته میشود.

حیدری - زرم آراء مرد وطن پرستی بود.

اخلاق پور - متأسفانه این طرح قانونی که نوعی دخالت قوه مقننه در قوه قضائیه میباشد بدون رعایت اصول بیست و هفتم و بیست و هشتم متمم قانونی بتصویب مجلس شورای ملی رسید و قانون مصوبه نیز بحرحله اجرا درآمد حالا بعضی از همان امضاء کنندگان طرح که خود برخلاف قانون اساسی رفتار نموده‌اند فریاد میزنند که علت آشفتنگی وضع موجود بعلت عدم اجرای قانون اساسی میباشد ای کاش که قانون اساسی میتوانست مانند

انسان تکلم نماید تا خود درصدد توضیح برآید، مواردی که مورد تجاوز قرار گرفته و بعضی از اصول آن زیر پا گذارده شده واعظان کابین جلوه در محراب و منبر میکنند - چون بخلوت میروند آن کار دیگر میکنند - من اگر باین شعر اشاره نمودم من باب شاهد مثال و نتیجه گیری از گفتارم بود و بدون تردید برای تمام وعاظ دینی و مذهبی و کسانی که از این طریق مردم را نصیحت و ارشاد میکنند احترام زیادی قائل هستم

در برنامه دولت

جناب آقای نخست وزیر در مقدمه برنامه دولت فرموده‌اند، خطر کنونی که موجودیت و وحدت کشور را تهدید میکند اگر بظاهر از درون کشور و معلول فساد و عدم لیاقت دولتهای ۲۰ ساله اخیر بوده و روز بروز روشن تر میشود که یک توطئه بین المللی عظیمی برای تضعیف و خدای نخواستہ تجاوز به موجودیت و حاکمیت ایران است، بطوریکه همکاران ارجمند و حضار محترم ملاحظه میفرمایند از طرف جناب آقای نخست وزیر صرفاً به تکوین یک توطئه بین المللی عظیمی علیه موجودیت و حاکمیت ایران اشاره شده است بدون اینکه توضیح دهند که این توطئه بین المللی از ناحیه چه دولت یادولی طرح ریزی شده و در شرف انجام است آیا مردم ایران که باین توطئه عنوان شده مواجه هستند نباید بفهمند که طراحان این توطئه کیانند تا با تشخیص دوست از دشمن بدانند با کدامین توطئه گران بین المللی روبرو هستند؟

و جناب آقای نخست وزیر بسختان خود ادامه داده و میگویند که اگر نخست وزیر این کشور بشوم یک نخست وزیر مسئول خواهم بود و کلیه سنن پارلمانی و آزادیهای فردی و اجتماعی را درم نظر خواهم داشت. بطوریکه همکاران استحضار دارند از مجلسین در مورد کاندید بودن نخست وزیری ایشان نظر مشورتی خواسته شدند ابراز تمایل که از مصادیق سنن پارلمانی است و از نظر حقوقی فرق است بین نظر مشورتی و ابراز تمایل زیرا همانطوریکه در قوه قضائیه رسوم است قضائیکه برای حل مشکلات خود درصدد سوال از اداره حقوقی بر میآیند اداره مذکور بدون قبول مسئولیتی نظر مشورتی خود را نسبت بمورد سوال اظهار میدارد حال اگر قاضی نظر مشورتی اداره حقوقی را بکار بندد و احياناً تخلفی بوقوع به پیوندد قاضی مشتکی عنه نمیتواند نظر مشورتی اداره حقوقی را مستند بر براثت خود قرار دهد حال آنکه ابراز تمایل که جزء سننهای پارلمانی است عرفاً و وجداناً برای نمایندگان که نسبت بکاندید بودن فرد یا افرادی پس از بررسی‌های لازم ابراز تمایل نموده‌اند ایجاد

مسئولیت مینماید و عبارت دیگر میتوان گفت که نظر مشورتی منبعت از اصل چهارم و ششم متمم قانون اساسی میباشد که بموجب آن عزل و نصب و وزراء بموجب فرمان همایون پادشاه است، و این فرق میکند با ابراز تمایل و بر اساس این سنت بدو نمایندگان مجلس فردیا افرادی را برای کاندید شدن نخست وزیری تعیین و پس از دادن رأی ابراز تمایل مراتب جهت صدور فرمان همایونی اعلام میشود. آیا جنابعالی که معتقد بر رعایت سننهای پارلمانی هستید میتوانید نظر مشورتی مجلسین را بعنوان ابراز تمایل که بارها اجرا شده است به پذیرید؟ و بعلت عدم رعایت سنن پارلمانی، من و عده‌ای دیگر ناگزیر به ترك جلسه خصوصی شدم جناب آقای نخست وزیر بگفتار خود ادامه داده و میفرمایند، اینجانب به اصول اهداف جبهه ملی ایران همواره چشم دوخته و در راه تحقق آنها کوشش خواهم نمود. لازم بنظر میرسد که جناب آقای نخست وزیر توضیح دهید که اولاً اصول اهداف جبهه ملی ایران چیست و چرا در متن برنامه دولت به آنها اشاره نشده؟ و ثانیاً اگر جنابعالی به اصول اهداف جبهه ملی معتقد هستید ظاهراً یکی از اصول آن جبهه رعایت انضباط و عدم شرکت در دولت یا تشکیل دولت میباشد. آیا اخراج شما از جبهه ملی و تشکیل دولت منافعی با اصول اهداف آن جبهه نمی باشد؟ توضیح در این باره ممکن است چگونگی را آشکار و روشن گر واقعیتها باشد. جناب آقای نخست وزیر ضمن بیانات خود فرموده‌اند: اکنون بانهایت توقیر برنامه کوتاه مدت دولت را بحضور نمایندگان محترم تقدیم مینمایم و برای اجتناب از اطاله کلام برنامه تفصیلی و دراز مدت را نیز تکثیر نموده و در اختیار آقایان محترم خواهم گذارد. این سوال پیش خواهد آمد که قطعاً نمایندگان محترم مجلس با ملاحظه وقرائت تمامی برنامه دولت در مقام اظهار نظر و احياناً در دادن رأی اعتماد شرکت خواهند جست با اینکه برنامه دولت در دادن رأی اعتماد مؤثر است، چرا از اعلام برنامه دراز مدت اجتناب و آنرا بعد موکول نموده‌اند؟ و نمیدانم که آیا برنامه دراز مدت مورد قبول خواهد بود یا خیر و آیا ممکن است ایراداتی بر آن وارد شود یا نه؟ ممکن است جناب آقای نخست وزیر در این مورد توضیح دهند.

متمم آن ثابت نمودم باید جناب آقای دکتر بختیار نخست وزیر محترم متوجه باشند که اصولاً قانون حکومت نظامی مخالف و مباین با قانون اساسی و متمم آن میباشد و برای اجتناب از اطاله کلام و طولانی شدن بحث در برنامه دولت نظر مشارالیه را بمشروح مذاکرات در این مورد شرح مندرج در صفحات ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ صورت مشروح مذاکرات شماره ۱۸۰ مورخ ۲۱ شهریورماه ۱۳۰۷ شمسی معطوف میدارد حال که قانون حکومت نظامی مخالف و مغایر با قانون اساسی و متمم آن میباشد باید بطور کلی نسخ گردد بنا بر این داعی ندارد که با حفظ قانون حکومت نظامی به لغو تدریجی حکومت نظامی اکتفا گردد.

در بند ۱۰ از رئوس برنامه‌های فوری دولت قید گردیده است: برنامه ریزی برای ایجاد یک انتخابات آزاد در سطوح مختلف (از انجمن روستا تا انجمن شهر) و انتخابات آزاد شهرداریها و بالاخره انتخابات مجلسین شورا و سنا. بطوریکه همکاران ارجمند استحضار دارند از طرف دولت جناب آقای دکتر جتشد آموزگار لایحه‌ای در مورد تجدید نظر در قانون انتخابات مجلسین به مجلس شورای ملی تقدیم و مورد اعتراض شدید تنی چند از نمایندگان من جمله اینجانب قرار گرفت و بنا بباستدلالی که بعمل آمد ثابت نمودم که اصولاً دولت حق ندارد بنا بصراحت اصل بیست و هشتم متمم قانون اساسی که بموجب آن رعایت تفکیک قوا تا کید گردیده در امور قوه مقننه دخالت و جهت آن وضع قانون کند و آنرا اجرا نماید و این مجلس است که باید با تهیه نظامنامه داخلی و طرح قانونی امر انتخابات را مستقلاً انجام دهد. آیا دخالت دولت در انجام امر انتخابات مباین با اصل تفکیک قوا نیست؟ اگر بخاطر همکاران عزیز باشد در مقابل ایراد اینجانب و عده‌ای دیگر وزیر کشور اسبق درصدد پاسخگویی برآمد که بهیچوجه قانع کننده و منطبق با قانون اساسی نبود بالاخره لایحه تسلیمی از طرف دولت مسترد گردید.

در بند ۶ از برنامه سیاست خارجی دولت ایران در زمینه رفع تبعیض نژادی قید شده دولت ایران بدون توجه بملاحظات خاص اقدامات جدی بعمل خواهد آورد و باین جهت تصمیم دارد که بر اساس قطعنامه‌های مصوب مجمع عمومی و در جهت رفع ایرادات منطقی به سیاست گذشته در روابط خود با افریقای جنوبی تجدید نظر بنیادی بعمل آورد..... بطوریکه ملاحظه میفرمائید این

تجدید نظر کلی و همه جانبه بوده و قیدی در آن وجود ندارد ولی جناب آقای دکتر بختیار بهنگام طرح برنامه دولت که از رادیو پخش شد این تجدید نظر در روابط با افریقای جنوبی را که بدون قید و شرط بوده با اضافه نمودن جمله تا حدی که لازم باشد، مشروط و محدود نمود. در واقع بند ۶ مذکور در مجلس شورای ملی بدون قید و شرط و حدی عنوان شده ولی در مجلس سنا با اضافه کردن جمله تا حدی که لازم باشد بند ۶ را مقلوب و از مفهوم واقعی خود خارج ساخته است.

در یکی از بندهای مربوط برنوس سیاست داخلی دولت به اعاده حیثیت قوه قضائی و تأمین استقلال آن اشاره شده است. اگر همکاران ارجحند بخاطر پیابوند اینجانب بهنگام طرح کلیات بودجه سال ۱۳۰۵ (مربوط بدولت هویدا) و همچنین در یکی دیگر از نطق های خود مربوط بودجه سال ۱۳۰۶ (زمان حکومت دکتر آموزگار) و نیز بهنگام طرح برنامه دولت مهندس شریف امامی بمسئله استقلال قوه قضائیه با تسکین بقانون اساسی ثابت نمودم که قوه قضائیه کشور از نظر رعایت اصل تفکیک قوا باید مستقلاً توسط آن قوه اداره شود نظارت و دخالت قوه مجریه در آن بهر شکلی که باشد برخلاف قانون اساسی است و قوه قضائیه احتیاج بوزیر ندارد من فکر می کردم این دولت که خود را طرفدار جدی قانون اساسی و مجری آن معرفی کرده باین مسئله توجه خواهد نمود. در مورد عدم لزوم وزیر جهت قوه قضائیه بدینیم که جناب آقای نخست وزیر یا وزیر دادگستری چه پاسخی خواهند داد. و از طرفی در هیچیک از اصول قانون اساسی و متمم آن پیش بینی نگردیده که برای دو وزارتخانه یک وزیر تعیین نمود و یا اینکه میشود بجای وزیر سرپرست وزارتخانه در نظر گرفت ولی در هیئت دولت مشاهده میگرد که جناب آقای دکتر شاپور بختیار علاوه بر قبول سمت نخست وزیر و وزیر کشور هم هستند و جناب آقای سیروس آموزگار علاوه بر دارا بودن سمت وزیر مشاور سرپرستی وزارت اطلاعات و جهانگردی را نیز بعهده دارند در خاتمه از اینکه پس از مدتی روزنامه ها بدون هیچگونه مانع و سانسوری منتشر میگرددن ضمن ابراز خرسندی ضمیمانه ترین تبریکات خود را بحضور جامعه مطبوعات ابراز پیشرفت و تعالی رکن چهارم مشروطیت را در اعتلاء و تنویر افکار مردم از خداوند متعال خواستارم. و بالاخره بیائید برای زهائی مملکت با یکدیگر متحد و با ارشاد و راهنمایی آیات عظام و علماء اعلام مردم را از این بلا تکلیفی ها نجات دهیم وقت منتهی تمام شد.

نمایندگان- آقای اخلاقیور فرمائید دلنشین است. **اخلاقیور** - بهرحال در خاتمه عرایض و در پایان سخنانم توفیق همگی را از خداوند متعال خواهانم.

نایب رئیس- آقای دکتر شیروانی فرمائید. **دکتر داریوش شیروانی** - ساحت مقدس مجلس شورای ملی در این روزهای حساس که مبارزات دلیرانه و صادقانه ملت ما به اوج خود رسیده و با درهم شکستن دیوارهای سکوت اراده ملت نقطه پایانی بر دفتر دوران اختناق سیاه رقم زده است ما اعضاء گروه اقلیت منفرد با تعظیم به انقلاب پر خروش و ثمر بخش ملت ایران با آنکه در سالهای تیره اختناق که همه زبانها بسته و قلمها شکسته بود و ما نیز از این ستمگری مستثنی نبودیم. مبعهدا با قبول همه تهدید ها و توطئه ها از پای ننشستیم و در سخت ترین شرایط هر آنچه هم گفتیم و نوشتیم و عمل کردیم در پرده استار ماند و بگوش هم میبمان رسید ولی سرفرازیم که هم آهنگ با آغاز جنبش ملی و مذهبی در کنار ملت پرده ها را بالا زدیم و گفتنی ها را گفتیم و هر جا که لازم بود ایستادیم و مبارزه کردیم.

در این ایام سرنوشت ساز که باز برنامه دولت جدیدی مطرح است با آنکه قبل از ابراز رأی تمایل توسط بیانیهای که جهت ثبت در صورت جلسه قرائت می شود به آگاهی

ملت ایران رساندیم **پیام گروه اقلیت منفرد** به نمایندگان مجلس شورای ملی همکاران محترم، امروز در تاریخ حیات سیاسی هر یک از ما نمایندگان مجلس شورای ملی حساس ترین روز و مهم ترین لحظه تصمیم گیری است.

ابراز تمایل برای انتخاب نخست وزیر که یکی از سنت های با ارزش پارلمان ایران بود و متأسفانه بدوران اختناق همانند سایر حقوق مجلس و مجلسیان بدست فراموشی سپرده شده بود اینک نیز که با استغفای دولت با اصطلاح موقت نظامی مطرح شده بصورتی عنوان میگردد که قابل تحمل نیست و کمترین بی توجهی ما به قیمت از دست رفتن همه حیثیت باقیمانده نمایندگان مجلس تمام خواهد شد و این پایگاه که میبایست نقطه اتکاو مرکز توجه مردم باشد مهربانانه خورده و از همه مهتر فرد فرد مادر پیشگام ملت ایران و تاریخ این سرزمین مسئول خواهیم بود. همکاران ما استحضار دارند که در ۲۰ سال اخیر نخست وزیران پس از انتخاب به این سمت بهنگام معرفی اعضاء کابینه ضمن تشریح برنامه دولت خود از پشت تریبون مجلس با نمایندگان و ملت ایران سخن میگفتند ولی این بار کسی که هنوز ظاهراً باین سمت برگزیده نشده و گویا قرار است امروز ماوشما بایشان رأی تمایل

بدهیم با وجود دولتی بر سر کار تحت این عنوان که بقصد نجات مملکت قبول مسئولیت کرده است از چند روز قبل شروع به مصاحبه و گفتگو کرده و از دوزخ قبل با استفاده از رادیو تلویزیون رسمی مملکت به مملکت پیام و سلام فرستاده و به تشریح برنامه های خود پرداخته است و جالب اینکه مفسران و خبرخوانان رادیو و تلویزیون هم از او بعنوان نخست وزیر آینده این مملکت یاد کرده اند.

در چنین اوضاع و احوالی اعتقاد ما بر این است که رأی تمایل امروز نه تنها نمی تواند مؤثر و قانونی باشد بازگشت بسنت ارزشمند دیرین پارلمانی هم نیست و باید گفت اینبار هم توطئه گران استعمار تصمیم گرفته اند با تحمیل شخصیت شناخته شده ای که سوابق سیاسی او قابل تأمل است و حتی از صف یاران دیرین خود هم رانده شده و تک و تنها مانده مجلس شورای ملی رامشول اعمال نامعلوم او که مسلماً در طریق تأمین حقوق و خواسته های مردم موقیبت آمیز نیست قرار دهند و مجلس و مجلسیان را قربانی کنند و تحت عنوان جبهه ملی و با بهره گیری از نام مرحوم دکتر محمد مصدق جبهه ای در مقابل جنبش اصیل مذهبی ایران بکشایند.

مانمایندگان عضو گروه اقلیت منفرد که به شهادت شما همکاران از آغاز جنبش ملی و مذهبی ملت ایران در کنار آنها مبارزه ای اصولی و منطقی را در جهت تأمین خواسته های ملت ایران آغاز کرده و بخاطر استقلال مملکت مردانه ایستاده ایم در این لحظات حساس تاریخی شما دوستان و همکاران هشدار میدهم که مجلس نمی بایست رودر روی ملت ایران قراز گیرد و وظیفه ما بعنوان نمایندگان مردم این است که در کنار آنها و در میان آنها باشیم و هماهنگ با جنبش ملی و مذهبی ایران با هرگونه ناسامانی مبارزه کنیم و تنها از این طریق است که می توانیم دین خود را بملت ایران ادا کرده باشیم که انجام این وظیفه مهم و تاریخی اینک بیش از همیشه نیاز به اندیشیدن و تفکر و از خود گذشتگی دارد.

باید همه یکپارچه شانه خود را از زیر بار این ننگ که گونه ای شعبده بازی است خالی کنیم و با عدم شرکت در رأی گیری با اصطلاح ابراز تمایل عدم اعتقاد خود را به این خیمه شب بازی ها اعلام داشته یکبار دیگر بملت ایران ثابت نماییم که در کنار آنها هستیم و در خانه ملت برای خدمت بملت کمر همت بسته و از هیچگونه خطری نمی هراسیم.

مجلس ایران باید با رد کردن این صحنه سازی ها موضع خود را در جامعه ایران مشخص کند و آنگاه با دوراندیشی و بربرینی واقع بینانه برای حل مشکلات وطن

که متأسفانه بعلت ندانم کاریها در معرض خطر قرار گرفته فکری اساسی و اصولی بکند. - **بامید همت و پایداری شما**

علی اصغر مظهری - نماینده مردم کرمان

دکتر داریوش شیروانی - نماینده مردم تهران

اسماعیل نواب صفحا - نماینده مردم اصفهان

دکتر کاظم رحمانی - نماینده مردم قوچان

متأسفانه پیشنهاد گروه های اقلیت مجلس شورای ملی که تماس با جامعه روحانیت و نیروهای سیاسی ملی را جهت برگزیدن شخصی به نخست وزیری مطرح کرده بود مورد توجه قرار نگرفت (آصف به رأی گذاشتند) و اکنون دولتی برنامه خود را در این مکان مقدس مطرح کرده است و بار مسئولیت اینهمه گرفتاری و مشکلات و معضلات که جامعه ایرانی با آن دست بگریبان است بردوش یکایک ما نمایندگان ملت سنگینی می نماید و باید با تفکر و تعمق فراوان و با وجدانی آسوده بر این مشکل فائق آئیم. باین دولت مسائل مملکت بهیچوجه حل نشده و شاید مشکلی بر مشکلات هم اضافه شده است و مشکل گشای مسائل کنونی مملکت و بیرون آوردن آن ازین بست اعتقاد داریم که کار شما آقایان اعضاء محترم هیئت دولت نیست!

همانطوری که پیش بینی کرده بودیم انتخاب آقای دکتر شاپور بختیار به نخست وزیری نه تنها مورد تأیید جامعه روحانیت و نیروهای سیاسی ملی قرار نگرفت بلکه با موجی از اعتراض گسترده همه طبقات مختلف مردم روبرو شد. با دریافت واقعیت های عینی انقلاب ایران نماینده مردم باید موضع خود را در کنار ملت انتخاب کند و نماینده مجلس نمی تواند و نباید رو در روی مردم قرار گیرد بنابراین معتقدیم باید کسی نخست وزیر ایران بشود که با تکیه به نیروهای اصیل ملی و مذهبی مملکت را از این بن بست کنونی خارج ساخته و با به پیروزی رساندن ملت ایران مشکل گشای مسائل کشور باشد. و جامعه انقلابی ایران را که برای مبارزه با هرگونه استبداد استعمار و استعمار و افکار شوم تجزیه طلبی قیام کرده به سر منزل مقصود رهنمون شود و برای همیشه ظلم و ستم و فساد و تباهی را از این سرزمین مقدس ریشه کن سازد و ایرانی مستقل - آزاد آباد و برخوردار از عدالت اجتماعی و دموکراسی واقعی بوجود آورد و به نسل های آینده با غرور و سرفرازی بسپارد.

بارها از پشت این تریبون عنوان کرده ام که مردان مسئول

مملکت ما مردم را به بازی گرفته اند آنها از نوع ننگین آن یعنی دو دوزه بازی می کنند.

بارها در این سه سال از پشت این تربیون فریاد زده ام که کسانی را باید روی روی مردم قرارداد - کسانی باید پیامهای ملی و میهنی بدهند که هرگز رنگ عوض نکرده باشند هرگز بمردم دروغ نگفته باشند و امروز نیز ناگزیرم عنوان کنم زیرا هنوز دو دوزه بازی با این مردم از طرف مردان مسئول به پایان نرسیده است. اما فراموش نکنیم واقعیتها را درک کنیم که مردم رادیکر نمی توان بازچه قرارداد - مردم هوشیارند - مردم آگاهند - مردم راست و دروغ را بخوبی تشخیص میدهند و خوب بموقع به قضاوت می نشینند.

دکتر صدیق اسفندیاری - این یکی رادرست گفتید. رفعتی - دیر نشده یکی را شما معرفی کنید.

دکتر شیروانی - این فریادهای مردم که بر علیه شماست جناب نخست وزیر میدانید برای چیست؟ چون در پیام خود که برای ملت فرستادید (آنهم قبل از آنکه به نخست وزیری برگزیده شده باشید) ضمن آن مطالبی مبهم است و حقیقت ندارد. شما از یاران دیرین خود در جبهه ملی یاد کرده اید - این همان جبهه ملی است که شما را طرد کرده است و رسماً هیئت اجرائی آن شما را اخراج نموده است همانطور که دیگر دبیر کل حزب ایران نیستید. شما از اهداف جبهه ملی دائم سخن میگویند که همیشه بدان چشم دوخته اید و از آن پیروی خواهید کرد پس چرا نگذاشتید که جبهه ملی خودش آنها را انجام بدهد - چرا از آنها جدا شدید تا آنها هم شما را طرد کنند - چرا تا آخرین لحظه با آقای دکتر صدیقی مبارزه کردید و نخواستید که قبول مسئولیت کنید

توکلی - دکتر صدیقی خودش نمی خواست، میخواهید دکتر قریب را بیاوریم؟

دکتر شیروانی - چرا بایشان کمک نکردید و یا در کابینه ای که میخواست تشکیل بدهد عضوان نشدید - آیا مردم حق ندارند بگویند که نخست وزیری شما بعلت جاه طلبی و فرصت طلبی است؟

آنهم در چنین دوران حساس و با اینهمه مشکلات در این مملکت؟ به انکاء چه نیروهائی قبول مسئولیت کردید جامعه روحانیت و تمامی گروههای سیاسی که اعتبار اسمی و یا نیروئی در بین مردم دارند که شما را قبول ندارند.

آیا شهاست و شجاعت و جسارتی که عنوان می کنید منظور رو در روی مردم قرار گرفتن است؟ آیا شهاست یعنی لجاجت است؟ آیا از خود راضی بودن بمعنی از خود

گذشتگی است؟ آیا این به بازی گرفتن انقلاب اصیل و نهضت مذهبی و ملی ملت ایران نیست؟

چطور نمی توانید تصور کنید که میهن پرستان و کسانی که عاشق این مرز و بوم اند و ریشه های خود را در دل این خاک مقدس تنیده اند تنها پشتیبان شما را سیاستهای استعماری و خارجی میدانند؟ آیا این محاسبه مردم ایران اشتباه است؟

چگونه میخواهید این تردید که در اثر تفکر و تعمق در بین تمامی طبقات جامعه ایرانی وجود دارد را از بین ببرید. چطور نمی خواهید قبول کنید که مردم از خود می پرسند ایران عزیز ما - میهن مقدس ما که در اثر ظلم و ستم - فساد و ندانم کاریها و بی لیاقتیهای دولتهای گذشته به لب پرتگاه سوق داده شده است اکنون به کجا میخواهد پرتاب بشود؟

ملتی که بخاطر آزادی و آزادگی - عدالت اجتماعی و رفاه همه طبقات و برای حفظ و صیانت تمامیت ارضی و استقلال میهن خود قیام کرده است چطور فکر می کنید باین آسانی حاضر بگذشت است؟ فقط بخاطر چند سوگندی که یاد کرده اید؟

ملت ایران از شما سؤالاتی دارد که باید از پشت این تربیون بآن پاسخ بگویند - در این ۲۰ سال گذشته که داد سخن داده اید که در زندان و تبعید و خانه نشین بوده اید چطور از بانک توسعه صادرات حقوق دریافت کرده اید؟ و چطور مدیر عامل چند شرکت بوده اید؟ و در یک شرکتی هم که جزء بنیاد پهلوی بوده است - مگر خودتان به این بنیاد ایراد نمی گرفتید؟... خانه نشین بودن برای ما مفهوم دیگری دارد و در این مملکت هستند کسانی که زجر کشیده اند پیش از شما و واقعاً هم خانه نشین هستند و آنقدر هم ادعا ندارند!

مردم از من خواسته اند که بعنوان نماینده آنها از شما سؤال کنم که پاسخ شما در مورد نامه ای که در این چند روز گذشته در مطبوعات هم چاپ شده است (از طرف آقای حسین مکی) چیست؟ این اسناد وجود دارند - مگر همین سند نبود که در شورای امنیت ضمن چند سند دیگر سبب شد که ملت ایران به حقوق حقه خود برسد.

شما از مرد بزرگ تاریخ معاصر ایران مرحوم دکتر محمد مصدق نام می برید و خود را از یاران دیرین آن شادروان میدانید مگر دکتر مصدق نبود که این مدرک را در آن مکان ارائه داد؟

از جبهه ملی که در صف نهضت و انقلاب ایران است

طرد شده اید و آنان را بار خود میدانید - از نام مظهر نهضت ملی شدن نفت استفاده نمی کنید و ضمن پیامها و مصاحبه های خود در کنار عکس مرحوم دکتر مصدق می نشینید و بخاطر همین انتظار دارید که تمامی نیروهای ملی از شما پشتیبانی کنند - آنهم با چنین کابینه ضعیفی؟ (البته یکی دو مرد با تقوی و فضیلت و کاردان در آن دیده میشوند). با این کابینه میخواهید مشکلات این مملکت را حل و فصل نمایند؟ مردم معتقد نیستند و ما هم از زبان مردم سخن می گوئیم - در حالیکه میدانم چه مسئولیت سنگینی را اکنون بر عهده دارم - خصوصاً در این لحظات حساس و خطرناک و سرنوشت ساز از تاریخ ایران - فقط بخاطر همین است که احساس مسئولیت و درک واقعیت بیشتری را می نمایم در برابر هم میهنانم - در برابر کشورم جنابعالی آقای دکتر شاپور بختیار مشکل بتوانید مسائل این مملکت را حل کنید! (مجتبائی) - آقای قریب فقط میتواند حل کند! ما وحشت داریم که چه خواهد شد؟

رفعتی - نسبت به هویدا چه می گفتید؟

دکتر شیروانی - ملت ما بر علیه هر نوع دیکتاتوری مبارزه می کند و بیم دارد از اینکه بدست شما باز دیگر با وجودیکه از آزادی سخن می گویند و سوسیال دموکراسی را سرلوحه کار خود قرار داده اید به وحشتناکترین نوع دیکتاتوری دچار شود.

من ۲۰ سال است که معتقد به اهداف سوسیال دموکراسی می باشم و با گروهی مدت ها است که در این راه برای میهنم گام برمیدارم ولی در برنامه خودتان صرف نظر از مطالبی که همیشه از خواسته های ملت ایران بوده که همگی آن مورد تأیید ماست بوی لیبرالیسم می آید - سوسیال دموکراسی ملهم از لیبرالیسم پیشتر و سوسیالیسم اصیل است - که همواره از طریق انتخابات آزاد مردم را در سرنوشت خود سهیم می سازد. برای اینکه وقت راعایت نمایم زیرا با همکاران پارلمانی تعهد اخلاقی داریم که پیش از نیم ساعت بخاطر بحرانی بودن وضع مملکت سخن نگوئیم. آنچه را که ما بعنوان سوسیال دموکرات در چند ماه قبل باختصار برای میهن خود در این راه آرزو داریم می خوانم:

بیان نامه گروه سوسیال دموکرات ایران
تحولات جامعه مصرفی کاذب ایران بویژه در سالهای اخیر از طرفی سبب تمرکز ثروت های کلان در دست عده ای معدود و از طرف دیگر موجب دستنگی و محرومیت قشرهای کم درآمد و متوسط گردید که خود موجب متزلزل

نمودن تعادل اجتماعی و آلودگی و انحطاط اخلاقی و فرهنگی مردم میهن ماست و در نتیجه ناسامانی و ناراضائی اکثریت مردم را فراهم آورده است. مبارزات حق طلبانه ملت ایران در سالهای اخیر این واقعیت را به اثبات رساند که مردم ایران با روشن بینی و آگاهی بیشتر با مسائل اجتماعی و سیاسی مواجه شده و با ایجاد تزلزل در منافع هیئت حاکمه و نظام مصرفی کاذب در شناخت خود و مسائل اجتماع بویاترو کوشا تر شده اند ولی در این میان از یک رهبری و مرکزیت صحیح که نیروی خلاصه مبارزان راه حق و حقیقت را راهبری کند، برخوردار نیستند. بدین سبب در شرایط سیاسی فعلی ایران با تکیه به نیروی زحمتکشان روشنفکران را مسئولیت و رسالتی است بس خطیر تا آنان نیز همگام و همدوش با سایر هموطنان خود در مبارزات مشارکت داشته و بی تفاوت و بی اثر نباشند.

گروه سوسیال دموکرات ایران پایگاه اصلی و اصیل مبارزان راه آزادی و حق و عدالت است که تشکیل آن مولود اعتماد به نفس و خود آگاهی و شناخت قشرهای کم درآمد - متوسط - حقوق بگیر و روشنفکر جامعه ماست رسالت سوسیال دموکراسی ایران

سوسیال دموکراسی رسالتی است در جهت کسب و دفاع از آزادی - عدالت و رفاه بویژه در زمینه های اجتماعی - سیاسی - اقتصادی .

سوسیال دموکراسی آگاهی از احساس مسئولیت فرد نسبت به اجتماع و همچنین حفظ و صیانت وی در برابر جامعه است.

سوسیال دموکراسی برخلاف سوسیالیسم که منحصرأ مدافع طبقه کارگر است کلیه قشرهای زحمتکش جامعه را دربر میگیرد.

سوسیال دموکراسی نهضتی است ملهم از سوسیالیسم اصیل و لیبرالیسم پیشرو که همواره از طریق انتخابات آزاد مردم را در سرنوشت خود سهیم می سازد. وطن ما شاهد جنبش های اصیل فراوانی بوده است که کم و بیش از نظر محتوا با نهضت سوسیال دموکراسی قابل قیاس است و می توان مبارزه و قیام مردم را در تاریخ مبارزات معاصر در جریان نهضت تنباکو و انقلاب مشروطیت و ملی کردن صنعت نفت از آن جمله دانست.

گروه سوسیال دموکرات ایران با الهام از مبارزات اصیل گذشته خلق ایران و سایر ملل جهان سنگری است برای احیاء و گسترش جنبش و نهضت های مردمی و پایگاهی است برای مبارزه با هر نوع استعمار و استثمار باشیوه و روش های منطبق با زمان

۱- این گروه مدافع حقوق کشاورزان - کارگران - روشنفکران - طبقات کم درآمد و حقوق بگير و تمامی اصناف زحمتکش و بازرگانان شرافتمند ملت ایران است.

۱- هدف: هدف از تشکیل گروه سوسیال دموکرات ایران از نظر سیاسی: مبارزه با هرگونه استعمار و استثمار خارجی و داخلی و پیکار با هیئت های حاکمه فاسد و دفاع از قانون اساسی و استقلال و حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور ایران است.

از نظر اجتماعی: دفاع از آزادیهای فردی و گروهی و دفاع از حقوق مادی و معنوی و تأمین عدالت اجتماعی و رفاه طبقه زحمتکش براساس دك ارزشهای فردی و اجتماعی است.

پی ریزی جامعه ای مترقی است که هر آن همه مردم و بویژه طبقات زحمتکش و کم درآمد با خود شناسی و احساس مسئولیت و اطمینان به آینده سرنوشت خود را تعیین کنند.

از نظر آموزشی: مبارزه ایست برای ساختن نظامی محیطی که در آن استعداد همه افراد ملت و بخصوص طبقات کم درآمد شکفته شده و شخصیتها محفوظ و نیرویها جلوه گر شود.

از نظر اخلاقی و مذهبی با الهام از تعالیم دین مبین اسلام و قرآن مجید مبارزه ایست با کلیه قدرتهای کاذب جامعه که با سلاح دروغ - چاپلوسی - ریا و دو شخصیتی مجهز هستند.

از نظر اقتصادی: مبارزه ایست برای از بین بردن فاصله طبقاتی - تورم - بیکاری و اقتصاد مصرفی کاذب.

پی ریزی جامعه ایست با بهره مندی کامل از کشاورزی سالم با توجه به منافع ملی استفاده صحیح از منابع طبیعی و زیر زمینی کشور ما با توجه به تجربیات - اشتباهات و پیروزیهای سوسیال دموکراسی سایر کشورها با دیدی واقع بینانه تر هرگونه اقتصاد مصرفی کاذب را که از نظر مادی سبب جنگها و بیکاری و تورم و از نظر معنوی سبب آلودگی فرهنگی میشود محکوم می کنیم.

ما معتقدیم هیئت های حاکمه ایران ناتوان تر و فاسدتر از آنند که بتوانند حتی قسمتی از برنامه سوسیال دموکراسی ایران را اجراء نمایند. بدین سبب گروه سوسیال دموکرات ایران از همه خواهران و برادران ایرانی که با اهداف فوق موافقت داشته و منظوری جز آزادی - عدالت اجتماعی و رفاه مردم ایران ندارند میخواهد که در گروه سوسیال دموکرات ایران گردهم آمده و نیروی واقعی را برای نیل به اهداف فوق آغاز کنند.

در ضمن سوسیال دموکراسی با مذهب همیشه رابطه خوبی دارد و بهترین نمونه آن در آلمان غربی است.

توکلی - مبارزه ما اکنون با استعمار است آقای داماد قریب همه شما را می شناسند.

دکتر شیروانی - آیا سوسیال دموکراسی هم فقط شعاری است که مطرح کرده اید یا اصالت دارد؟ اگر چنین باشد لااقل آرزوی گروه ماست، جناب دکتر بختیار آیا شما خودتان و دولتتان را وارث طبیعی انقلاب ایران میدانید از شما سؤال میکنم آیا خودتان قبول دارید که حکومت شما و دولت شما با اینهمه ضعف و با اینهمه ناهم آهنگی وارث چنین انقلاب عظیمی باشد؟ اینهمه شهید که ملت ایران داد و اینهمه قربانی که بدست تاریخ سپرده شد این همه خونها که بر این زمین مقدس ریخته شد آیا حاصلش دولت باصلاح ملی جنابعالی است؟ آیا امروز در پناه نام مرحوم دکتر محمد مصدق به میدان آمدن همانند دیروز نیست که عده ای در پرتو نام پادشاه ایران اینهمه ستم و بی عدالتی نسبت به ملت ایران روا داشتند - میدانید چرا مردم نگراند - مردم وحشت دارند برای آنکه به باران خود پشت کرده اید و در جامعه نیروئی ندارید نگرانی ملت ایران از اینست که آیا دکتر شاپور بختیار نیز در لباس آزادیخواهی سالهای مبتدای به گرده ملت شلاق نخواهد کشید؟

شما از روابط سخن میگوئید - بخوبی در کابینه شما روابط بچشم میخورد مسلماً خواهید گفت که کسی حاضر نشد با من کار بیکند و ناگزیر بودم متأسفم که با این وضع چطور میتوانید این بحرانی ترین لحظات تاریخی را با چنین ترکیبسی از کابینه سپری نمائید.

مبارزه ما اکنون نیز با استعمار است که هر روز چهره کریه خود را با زیور دیگری می آراید - ما با هر نوع دیکتاتوری مخالفیم - با هر نوع استعمار و استثمار مخالفیم - ملت ایران و انقلاب ایران یک دشمن دارد و بس آنهم استعمارگران هستند.

در این لحظات حساس که ملت ما سرگرم مبارزه علیه ظلم و ستم و بیدادگریست از نظر ما هر نوع معامله و قرار دادی در مورد نفت باطل است و باید کلیه قراردادهای باطل را باطل کرد. مجلس ملی باشد تعجب می کنم از نفت سخنی بمیان نیارودید - از نفت بلوچستان که می گویند ۳ قرن می توان استخراج کرد و از معادن اورانیوم که در ایران فراوان است - مجلس و ملت را آگاه کنید که استعمار از

ما چه میخواهد و به چه بهائی باید از منابع ملی و زیر زمینی خود صرف نظر نمائیم.

جناب دکتر بختیار نگرانی مردم از این مطالب است مجلس و مردم را روشن کنید.

خونبهای شهیدان انقلاب بزرگ ایران با مستمری دادن به بلایانندگان بطریقی که عنوان کرده اند بهیچوجه مورد قبول ملت ایران نیست این خونهای باختر آزادی و آزادی بخاطر حکومت قانون و برکندن ریشه های ظلم و ستم و فساد ریخته شده این خونها بخاطر استیفای حقوق ملت ایران از استعمارگران و بخاطر حفظ منابع ملی - بخاطر حفظ سنن و آداب - مذهب - فرهنگ ملی ریخته شده بالاخره بخاطر ایرانی آزاد و آباد و مستقل که در آن مردان و زنان آزاده آن حاکم برسروشت خویش باشند جانها فدا شده است. هرچند که بفکر بازماندگان بودن و شهیدان را افتخار میهن دانستن وظیفه هر میهن پرستی است اما بالاتراز همه دك کردن که برای چه شهید شده اند - برای آزادی و آزادی ایرانی برای موجودیت - قومیت و ملیت و استقلال ایران که بهیچوجه نخواهیم گذاشت که دیگر با مخاطراتی مواجه بشود.

از طرف همکار و دوست عزیزم جناب نواب صفا سخن می گویم که در تمام حوادث خونین اصفهان و نجف آباد با مردم همدردی و همدلی و همگامی داشته این مردم از ایشان خواسته اند که در مجلس شورای ملی عنوان بشود همچنین گروههای مختلف از مردم تهران و شهرهای دیگر از بنده خواسته اند که گفته شود که دادن قربانیا و مجروحین فراوان بخاطر حضور دولت جنابعالی در مجلس شورای ملی نبود.

آقای نواب صفا گفت که عنوان کنم که طبقات ملی در اصفهان این دولت را قبول ندارند.

توکلی - خود آقای نواب صفا را هم قبول ندارند.

دکتر شیروانی - تحصن دانشکاهیان - شهید شدن استاد دکتر نجات اللهی و قربانی شدن دانشجویان برای من بعنوان یک دانشگاهی برای این نبود که اکنون در برنامه دولت باصلاح ملی جنابعالی سخن بگویم. من هم مانند تمامی استادان و دانشجویان و جوانان و میهن پرستان بطور کلی آرزوی آن دولت ائتلاف ملی و وحدت ملی را داشتم که خشم مردم را تسکین دهد و مملکت از فلج اقتصادی بدرآید.

توکلی - چطور شما از تهران انتخاب شدید؟

دکتر شیروانی - جناب دکتر بختیار منکه هرگز

شما را ندیده ام و با شما هم شخصاً خصومتی ندارم. ایران عزیز ما در خطر است - میهن ما در لب پرتگاه است و وظیفه نماینده ملت منعکس کردن افکار - امیال و آرزوهای مردم در این ساحت مقدس مجلس شورای ملی است. برای مجازات چپاولگران و غارتگران بیت المال ملت که به خارج گریخته اند چه میخواهید بکنید در هرمقامی که هستند چه افرادی که دارای مشاغل عالی بوده اند و چه در بخش خصوصی این ثروتها را چگونه میخواهید

به کشور بازگردانید - شما نیز مانند دولتهای سابق متوسل به قوانین دادگستری گردیده اید که مسلماً این نحوه تحکامات جواجوی انقلاب ایران نیست. ملت در انتظار محکمه ملی است ملت در انتظار دادگاههای انقلابی است ماههاست که می گوئیم به ملت باید شخصیت سرکوب شده اش را بازگرداند - ملت میخواهد احساس کند که پیروز شده است چطور میخواهید آرامش را به ملت بازگردانید با تهدید یا به اینکه وضع بحرانی است و امکان کودتا وجود دارد چرا ارتش را در روی مردم قرار میدهید چرا مردم را از ارتش می ترسانید - ملت ما به ارتش نیرومند ایران و سربازان فداکار آن احترام میگذارد - در این روزهای حساس موجودیت و وحدت ما در خطر است - ملت بخوبی میداند که ارتش حافظ استقلال و تمامیت ارضی میهن ماست. ما به ارتش خود افتخار می کنیم - افسران و سربازان برادران ما هستند - این استعمارگران اند که آرزوی دشمنی بین ارتش و مردم را دارند - ملت هوشیار است و از سوی ارتش خطری را احساس نمی کند - شاید آنها که ظلم و ستم روا داشته اند آنها که بدم زجر و شکنجه داده اند بیم دارند از آینده خود و این افکار شوم را در سر می پروراند و آنرا نباید به نام ارتش ایران تمام کرد. مشکلات این مملکت را فقط تنها از راه سیاسی می توان حل کرد و بخاطر همین نباید نیروی ملتی شجاع - هوشیار - و میهن پرست را نادیده گرفت. ملت ایران همانطور که با فساد و ظلم و ستم مبارزه بی امان نمود تا آخرین قطره خون خود را در برابر تجزیه طلبان و افکار شوم ضد ملی ایستادگی خواهد کرد آیات عظام و مراجع عالیقدر تقلید و گروههای سیاسی ملی مردم را دائم بروش مسالمت آمیز راهنمایی و ارشاد می نمایند. مردم باید در مورد عوامل ضد ملی هوشیار باشند ملت رنج دیده است - ملت زجر کشیده است - ننگ خرابکاری و هرج و مرج طلبی را نباید به ملت ایران

نسبت داد بارها گفته ام، باز تکرار می کنم. مردان مسؤول این مملکت، در این زمان حساس و تاریخی تحمل بیشتری داشته باشید، به مردم خشونت نشان ندهید، تهدید نکنید، درک ناراضیهای آنها، درک بی اعتقادیهای آنها و عدم اطمینان آنها را بنمائید.

پس از آنچه گفته شد ما اعضای گروه اقلیت منفرد این دولت را قادر به حل مشکلات مملکت نمی بینیم و رأی ما باین دولت کبود خواهد بود. (احسنت)

اخطار نظامنامه ای بوسیله آقای دکتر درودی.

نایب رئیس - آقای دکتر درودی فرمایشی دارید؟

دکتر درودی - اخطار نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس - طبق کدام ماده؟

دکتر درودی - طبق ماده ۱۳۰ آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی.

نایب رئیس - ماده ۱۳۰ قرائت میشود.

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۳۰ - اخطار راجع به نافی بودن لویح و طرحها با قوانین اساسی کشور یا اخطار راجع به نظامنامه داخلی مجلس مقدم بر اظهارات دیگر است و مذاکرات در موضوع اصلی را متوقف میکند و باید در نهایت اختصار (ظرف پنج دقیقه) بعمل آید.

نایب رئیس - آقای دکتر درودی بفرمائید.

دکتر درودی - یکی از اصول قانون اساسی حفظ حقوق مجلسیان است. ما باید حقوق عموم مجلسیان را حفظ کنیم متأسفانه این دفعه سوم است که اعلامیه اقلیت در اینجا مطرح میشود که من می خواستم بموقع خودش تذکره بدهم منتهی نمی خواستم فرمایشات همکار عزیزم را قطع کنم. در مجلس فقط دو گروه اقلیت و اکثریت وجود ندارد. عده ای از ما نمایندگان جزو منفردین هستیم، که نه تابع نظر اکثریت و نه تابع نظر اقلیت می باشیم. در روزی که پیشنهاد اقلیت در جلسه خصوصی مطرح شد که پنج نفر انتخاب شوند ما منفردین با اصل پیشنهاد موافق بودیم و به همین مناسبت وقتی هم اعلام رأی شد ما قیام کردیم یعنی به آن پیشنهاد رأی دادیم، ولی بنظر من تهدید اکثریت از طرف اقلیت به خروج از مجلس درست نبود اگر ما اکثریت را تهدید بکنیم برخلاف روح دموکراسی خواهد بود و بنظر من کار صحیح نیست و به همین جهت ما در آنروز جلسه را ترک نکردیم. از اقلیت و اکثریت استدعا داریم که حقوق ما منفردین را همیشه حفظ کنند متشکریم.

ادامه بحث درباره برنامه دولت آقای دکتر شاپور بختیار

نایب رئیس - آقای دکتر فروزین تشریف بیاورید.

دکتر طهموت فروزین - ریاست محترم مجلس شورایی، همکاران محترم از خداوند قادر سبحان طلب میکنم که مرا در آنچه میخواهم بگویم یاری کند تا هرگز سخنی بگزارم و جز به حقیقت و صفا نیاندیشم.

بحث من امروز راجع به برنامه دولت آقای دکتر شاپور بختیار است. دولتی که در نابسامانترین روزهای تاریخ ایران مشغول کار شده و هیچکس نمیدانند فرمایش چه خواهد شد آیا موفق خواهد شد براینهنگام از مشکلات فائق آید و یا خود در زیر یکی از این انواع خروشان جنبش عظیم ملت غرق و نابود خواهد گشت.

متأسفانه دولت آقای دکتر بختیار وارث عوارض و اتفاقات شومی است که هیاتهای حاکمه وقت عمداً بر ملت ایران تحمیل کردند و هرایرانی شرافتمندی که بتواند این نابسامانیها و پریشانیها را نظمی بخشد و بر دل ریش ملت مرحمی نهد نامش در تاریخ کهن و مقدس وطن برای همیشه خواهد درخشید.

دولت های گذشته سعی کردند از کان اساسی سازنده ملت ایران را متزلزل و متلاشی کنند. اصولاً تار و پودیک ملت بر اساس عقاید جامعه شناسان بزرگ از عناصری تشکیل میشود که چند عنصر آن در پایداری و ثبات یک ملت از همه مهمتر است.

شخصیت ملت: اگر ملتی شخصیت نداشته باشد و نداند که در خانواده جهانی چه موضع و مقامی دارد و به ارزش ذاتی و تاریخی و حیاتی خویش پی نبرد این ملت نحو و نابود خواهد شد. نگاهی به تاریخ ملل استعمار شده نشان میدهد که نخست استعمارگران شخصیت آنها را از بین بردند. در ایران نیز دولت های عیناً برای کوییدن ملت همین کار را کردند. تنها چیزی که برای دولت ها مطرح نبود شخصیت و ارزش وجودی ملت بود. درباره سرنوشت آینده ملت با آنها کوچکترین مشورتی نمی کردند و حتی تا توانستند برای بسط نفوذ نامیوم خود در کوییدن شخصیت ملت پیش تر رفتند تا ملت جرات نکند که صدای حق طلبانه خود را بلند کند و بگوش جهانیان رساند.

یکی از دولت ها بعنوان ایجاد عدم تمرکز شهر ستانهای شمیران و شهر ری را متحمل کرد و مرکز استان مرکزی را از تهران به اراک برد تا یک روستائی شمیرانی که تا آن زمان کارش در تجریش حل میشد روانه تهران و از آنجا به اراک رود و ع ن از و کلای استان مرکزی بعنوان

بجای هزاران تفنگ و مسلسل کمونیزم را مهار و کنترل کند. بهترین و مجلل ترین قمارخانه های آسیا را در وطن ما برپا کردند و شعائر مذهبی را نادیده گرفتند. پیشوایان مذهبی مورد اطمینان و علاقه فراوان ملت ایرانندومن

بسیار خوشوقتم که می بینم که آقای دکتر شاپور بختیار چه در برنامه دولت خود چه در مصاحبه های رادیو تلویزیونی خویش علاقه وافر خویش را به پیشوایان مذهبی و مراجع تقلید خاصه حضرت آیت الله خمینی ابراز داشته اند. کاش ایشان با هوشیاری و تجربه و وطن پرستی شایان تقدیری که دارند سعی میکردند نظرموافقت معظم له را نیز به دولت خود جلب میکردند و هنوز هم برای انجام این منظور دیر نشده و یک نگاه لطف ایشان به دولت بسیاری از مشکلات را خواهد گشود.

دولتهای گذشته امید را در ملت کشتند. بقول حضرت علی علیه السلام آن کس که امید ندارد مرده است. آیا از یک ملت مأیوس و ناامید انتظار معجزه باید داشت؟ وقتی ملتی ناامید شد بهر کاری دست میزند و نمونه آن همین جنبش حق طلبانه ملت ایران است که بر اثر ظلم و جور دولت ها و لگدمال کردن حقوق حقه مردم و رواج فساد و رشوه خواری و بی احترامی به خواسته های قانونی مردم سرانجام دیگ تحمل ملت منفجر شد و قیامی عظیم و بزرگ بوجود آمد که نمونه آن کمتر در سایر نقاط دنیا دیده شده است. که بعداً در اینجا راجع به آن بحث خواهم کرد.

بدین ترتیب ملاحظه کردید که دولتهای پیشین با لگد مال کردن شخصیت ملت، در هم شکستن غرور ملت، خاموش کردن نور امید در دل ملت، بی اعتنائی به خواسته های ملت و کوچک شمردن قدرت عظیم نیروی دین و مذهب به تنها چیزی که اهمیت نمیدادند مردم بود و ملت و من از دولت آقای دکتر بختیار میخواهم که راجع به بازگرداندن شخصیت و ارزش ملت ایران که سالها عمداً نادیده گرفته شده و برای افزایش غرور ملت و توسعه و پیشرفت مذهب در تمام طبقات و دیدن روح امید در دل ملت و احترام به خواسته های آن مادی به برنامه هفده ماده ای دولت خویش بیافزایند. در ماده ۵ برنامه شما راجع به محاکمه سریع غارتگران و متجاوزین به حقوق ملت اشاره ای شده است که ضمن تقدیر از این ماده و از سرعتی که دولت برای انجام این محاکمات در نظر گرفته است لازم است نکاتی را به اطلاع دولت برسانم.

کار فساد و رشوه خواری در ایران آنچنان بالا گرفته بود که تا بحال در هیچ جای دنیا نظیر و مانند نداشته

اعتراض نزد نخست وزیر وقت رفتند و به این عمل او اعتراض کردند ولی نخست وزیر وقت زیر بار نرفت که نرفت و حاضر نشد اصلاً به خواسته مردم و نمایندگان آنها کوچکترین ترتیب اثری بدهد.

در سراسر شهرهای کشور میلیون ها متر زمین را در فضای سبز و طرح و با خارج از محدوده شهری قراردادند و به صاحبان این اراضی اجازه ندادند که در زمینهای خود خانه بسازند و نه حاضر شدند زمینهای داخل طرح و فضای سبز آنها را بخرند ولی به شرکتهای تشکیل شده از سهامداران با نفوذ اجازه دادند که در همان زمینها هتل بسازند تعدادی از افرادی را که در زمینهای خارج از محدوده خانه ساخته بودند تنها بهمین جرم کشتند و از بین بردند. تمام این اعمال برای آن بود که دولت برای ملت شخصیت و ارزش قائل نبود و آنرا به چیزی نمی اندیشید.

یکی دیگر از عناصر سازنده ملت غرور است. وقتی ما غرور ملی مردم را لگدمال کنیم و نادیده بگیریم از آن ملت چه میماند و دولتهای گذشته این غرور ملت را پایمال کردند و سعی کردند که ملت را با تصمیمات و تصویبانه های نابخردانه خود خرد و خردتر کنند.

از مهمترین عناصر سازنده ملت مذهب آن است و ما افتخار میکنیم که مسلمانیم. قرآن کتاب آسمانی بزرگی است که به عظمت آن تا بحال کتابی نیامده و نخواهد آمد. بسیاری از کشف های علمی بزرگ که این روزها با استفاده از کامپیوتر و وسائل بسیار دقیق انجام میشود ۱۴۰۰ سال پیش در قرآن آمده است. حتی پس از تسخیر کره ماه توسط انسان و آشکار شدن اینکه کائنات در روز نخست یکپارچه و بهم پیوسته بوده و بعداً از هم جدا شده اند در قرآن چهارده قرن پیش آمده است. ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما (یعنی زمین و آسمان اول بهم چسبیده بودند و ما آنها را از هم جدا کردیم) متأسفانه دولتهای گذشته برای رونق مذهب و بزرگداشت آن هیچ قدمی برنداشتند حتی اگر یک جمله بسم الله الرحمن الرحیم در ابتدای کتابهای درسی بود آنرا هم برداشتند و در کتابهای دبستانها و دبیرستانها کوچکترین اشاره ای به آیات و قصص قرآن که سراسر بند و اندرز و راهنمایی است نکردند. به رهبران مذهبی احترامی را که شایسته آنان است نگذاشتند. آنها برای مبارزه با کمونیزم توپ و تفنگ خریدند ولی نمیدانستند که هیچ چیز بهتر از مذهب نمیتواند تربت مقدس وطن را در برابر کمونیزم نگاهبان باشد و یک موعظه یک پیشوای مذهبی میتواند

است. اصولاً هیچ کار و هیچ امری از فساد و تباهی دور نماند هر کار و طرحی که انجام میشد همتش آن بود که چقدر گیر صاحب کار میآید. برای توزیع سیمان در کشور بقول وزیر بازرگانی وقت که حالا در زندان است یک سیستم مافیا وجود داشت و با صدور پروانه های قلابی میلیونها تن سیمان به کسانی دادند که شریک هیأت حاکمه بودند و هر کیسه سیمان را به ده برابر قیمت اصلی در بازار سیاه فروختند و حق و حساب دولتیان را نیز پرداخت کردند. آن نیز همین وضع را داشت. ورود آن خارجی را ممنوع کردند که آهن داخلی خیلی گرانتر از آهن خارجی بفروش رود و آقای رضانی ها سناتور فراری مقدار بیشتری برای خانم خویش جواهر آلات بخرند. شیشه و آجر هم چنین وضع داشت. اولیای دولت با بسیاری از پیمانکاران شریک بودند و با انجام پیمان های ساختگی هر طرحی را به چند برابر قیمت اصلی ظاهراً به مناقصه میگذاشته و پس از گرفتن حق و حساب خویش آن شرکت نیز پیمان را به شرکت دوم و شرکت دوم به سوم الی آخر میسپرد و سرانجام یک طرح ناقص و قلابی و بلا انتفاع در مملکت اجرا میشد مانند هزاران هزار طرحی که توسط وزارت تعاون و امور روستاها ساخته شد که حمامهای گرم نمیشود لوله کشی هایش آب نمیدهد. پل هایش خراب شده و منابع آبش در هم ریخته و جماعتی بیکاره و بی تجربه با بند و بست به هیئت حاکمه از این رهگذر میلیاردها تومان سرمایه ملت را به تاراج بردند در حالیکه یک پزشک تحصیل کرده و یا یک قاضی برای آنکه بتواند یک خانه محقر بخرد باید سالها زحمت میکشید و آخر هم با کلاهبرداری بانکهای وام دهنده که بعنوان دریافت بهره مردم را چپاول میکنند صاحب یک خانه کوچک بشود و تا آخر عمر و حتی بعد از آن وراثت به پرداخت قسط-تسهول گردند یعنی عبارت دیگر در آمد ملی مملکت بطور عادلانه بین مردم تقسیم نشد و نسبت تقسیم ثروت با تحصیلات و تجربه نسبت معکوس داشت ماده دو برنامه دولت نیز ناراست است. این کافی نیست که کسانی را که به حقوق ملت تجاوز کرده و آنرا غارت کرده اند محاکمه کنیم بلکه باید در ماده دو برنامه دولت عبارتسی گنجانیده شود که ضمن محاکمه سریع و بی امان این افراد پیش بینی های تند و حاد و کوبنده ای کرد که حتی در آینده کسی جرأت فکر تقلب و رشوه خواری و سوء استفاده از بیت المال مسلمین را نیز نکند. و بداند که با یک دینار سوء استفاده محو و نابود خواهد شد.

من هر چه بیشتر دقت کردم در برنامه دولت چیزی راجع به لغو قوانینی که در حال حاضر مخالف منافع ملت ایران است ندیدم. شاید روزگاری که این قوانین میگذاشت شرایطی وجود داشت که باید اجرا میشد ولی حالا این شرایط عوض شده است. حتی در پارهای از موارد می بینیم که دولتها قانون اساسی را نیز لغو کرده اند. مثلاً در قانون اساسی تغییر حدود و ثغور استانها و شهرستانها را به رأی مجلس شورای ملی گذاشته است. بعداً در سال ۱۳۱۶ یک قانون گذرانیده اند که ماده ۲ آن میگوید دولت میتواند حدود و ثغور استانها و شهرستانها را بطور آزمایشی تغییر دهد و حالا پس از گذشت چهل و یکسال هنوز دولت در حال آزمایش یعنی تغییر حدود و ثغور استانها و شهرستانهاست و با براساس قانون اساسی دریافت وام باید با اجازت مجلس باشد که آنرا نیز بعداً با گذرانیدن یک قانون موکول به تصویب هیئت وزیران کردند یعنی هیأت وزیران وام بگیرد و ملت سالهای سال تاوانش را بدهد حتی قوانین مسخره ای هست که به ملت صریحاً میگوید که قول و گفته دولتها را نباید باور کند. مثل ماده ۱۶ قانون امور گمرکی که بازرگانی جنسی را از گمرک ترخیص میکند و ارزباب و رئیس گمرک کتباً و با امضاء خود و مهر رسمی گمرک ایران صحت انجام امور گمرکی و پرداخت حقوق دولت را تأیید میکنند ولی وقتی آن بازرگان آن جنس را فروخت چهار ماه بعد دولت به او مراجعه میکند که در تشخیص حقوق گمرکی اشتباه کرده ام و اموال بازرگان را بعنوان بدهی به دولت توقیف میکند و یا برای ایجاد بی اعتمادی بین مردم و دولت میگوید که محدوده تهران پنجساله است و وقتی فلان معلم و کارمند با قرض از این و آن بخاطر آنکه روزی صاحب خانه شود بخاطر ارزان تر بودن زمین آنسوی محدوده زمین میخرد پس از پنجسال دولت میگوید شوخی کردیم و مرز محدوده همین است که هست و اگر هم خانه ای در خارج آن بسازی آنرا با بولدور روی سر زن و بچه ات خراب میکنیم.

بهر حال در برنامه دولت باید ماده ای گذاشته شود که دولت در اسرع وقت مکلف شود اینگونه قوانین ضد ملی را از طرق قانونی لغو کند.

در ماده ۷۰۶ و ۷۰۴ برنامه دولت ذکری از زندانیان سیاسی رفته است. فرزندان از وطن با که دولتها میتوانند از نیروی بازو و قدرت تفکر آنها برای پیشبرد هدفهای مقدس وطن استفاده کنند و عمداً یا نکرده و یا نخواستند. آیا کسی که سالهای سال در زندان بوده است

با پرداخت مبلغی میتوان رضایت او را جلب کرد، آیا گذشته قابل خریدن است، آیا آنکس که بر اساس ماده ۹ برنامه دولت شهید شد با پرداخت بیست سی هزار تومان به والدینش زنده میشود؟ اصولاً باید در برنامه دولت ماده ای گنجانیده شود که دیگر چیزی بعنوان زندانی سیاسی وجود نداشته باشد. و اصولاً جرائم سیاسی تعریف شود و چه کسی را مجرم سیاسی مینامند و طرز محاکمه احتمالی این افراد چیست؟ و هیأت منصفه چه نقشی در این محاکمه خواهد داشت و اما اینکه غرامت به کسانی پرداخت میشود که بیش از یکسال زندانی بوده اند نیز عادلانه نیست چه هستند افرادی که اگر یک ماه کارشان رها شود برای همیشه سرنوشتشان تغییر کرده است. تغییر غرامت بر اساس اهمیت کار و وظیفه شخص و مسؤلیت ملی او باید به وی پرداخت شود نه تنها مدت زندانی بودن، البته مدت زندانی بودن نیز بسیار قابل اهمیت است.

در برنامه دولت راجع به گسترش و تعمیم عدالت اجتماعی ماده ای ندیدم در حالیکه این بزرگترین خواسته ملت است. دولتها همیشه سعی میکردند ملت را بیآزارند و رنجش ملت برایشان مهم نبود. هر کس که وزیرداری میشد یک بخشنامه میکرد که باید وصولی مالیات افزایش یابد بدون آنکه تحمل و توانائی ملت را در پرداخت مالیات در نظر بگیرند.

برای یک ابزار فروش بنام آقای فرزانه سال پیش پنج هزار تومان پیش آگهی مالیاتی صادر کردند و اسامی ۲۰۰ هزار تومان، معلوم نیست ممیز سال گذشته مهربان بوده و یا ممیز امسال بی مهر بوده است ولی آنچه مسلم است مالیات یک مغازه دار نمیتواند ظرف یکسال از ۵ هزار تومان به ۲۰۰ هزار تومان افزایش یابد و قانون مالیات بردارد فعلی بزرگترین اشتباهی است که آقای دکتر آموزگار مرتکب شد. عوارض نوسازی منازل را نیز مرتب افزایش دادند حتی خانه های محقری را که در جنوب شهر بود و قبلاً از پرداخت معاف بود، مشمول پرداخت عوارض کردند. قیمت آب یعنی آنچه در قرآن بعنوان «من الماء کل شیء» حی از آن ذکر شده افزایش دادند. حق انشعاب تلفن را سه برابر کردند. قیمت برق را زیاد کردند با یک کار مسخره هر سال ۲۰ درصد بر قیمت بنزین افزودند و در ضمن خودشان برای مبارزه با گرانی فروشی اتفاق اصناف درست کردند که عقیده ملت ایران درباره آن بهترین قضاوت است.

از فوق العاده شغل کارمندان بازنشستگی کم کردند

ولی بهنگام بازنشسته شدن این پول را باو نپرداختند. کارمندان و کارگران را بیمه کردند و از آنها حتی تا ۲۷ درصد حق بیمه کسر کردند. بعد داروها را طبقه بندی کردند که فقط داروهای ارزان قیمت به بیمه شدگان بدهند بانکها سعی کردند از مبتلا بودن مردم به درد بی مسکنی سوء استفاده کنند کسی که ۲۲۰ هزار تومان وام دریافت میکرد ۳۷۰ هزار تومان بهره اش میشد جمع بدهی این بی خانه سرگردان به ششصد هزار تومان میرسید. و مجبور میشد در هر ماه دوبرابر حقوق دریافتی خود قسط بدهد.

در روستاها پیمانکاران با بند و بست با کارفرماهای دولتی طرحی را ناقص و خراب به انجمن ده بعنوان تحویل موقت تحویل میدادند و میگفتند تا یکسال هر چقدر خرج تکمیلی داشته باشد با پیمانکار است و روز بعد از تحویل موقت پیمانکار ناپدید میشد و یک روز مانده به پایان سال آقائی میگشت و ظاهراً نواقص را سرهم بندی میکرد و تحویل قطعی انجام میشد و از فردا وقتی روستائیان بخاطر خرابی طرح به تعاون و امور روستاها مراجعه میکردند میگفتند تحویل قطعی انجام شده و پرداخت هزینه خرابی ها با خود روستائیان است.

در برنامه دولت من چیزی راجع به توسعه کشاورزی ندیدم. کشاورزی که وزیر وقت کشاورزی با آمارهای دروغش مرتب اعلام میکرد هشت درصد رشد داشته است. اینها با یک برنامه تدوین شده از قبل سعی میکردند کشاورزی مملکت را به روز سیاه برسانند. کشاورزی سستی را که سرمایه آن عشق، امید و کار فایلی بود عمداً بخاطر آنکه محصول آن ارزان تمام میشد از بین بردند و کشاورزی و دامداری صنعتی را که یک لیتر شیر آن ۱۰۰ ریال تمام میشد احیا کردند. سعی کردند قیمت محصولات کشاورزی را نصف بهای تمام شده برای کشاورز قرار دهند. تا او مایوس شود و کشت و کار را رها کند. کود و بذر و سم را موقمی به کشاورزان میسراندند که فصل کشاورزی تمام شده بود و یک دامدار محلی برای معالجه گاو بیمارش مجبور بود آنرا از دور ترین ده به مرکز بخش و یا شهر بیاورد. مراتع را با سیاست خاصی از چنگ صاحبان اصلی آنها یعنی روستائیان بدر آوردند و بدست هزار بزدانی ها سپردند تا با همسایگان با رجال قدرتمند تأمین گوشت کشور را در دست گیرند و کلاه ملت را بردارند. برای تشویق دامداری مبادرت به توزیع علوفه ارزان قیمت کردند ولی ماکه در حوزه انتخابیه مان دامداری را ندیدیم که به این علوفه

ارزاقتمت دسترنی داشته باشد و این علوفه مخصوص دامهای ازما بهتران بودوس. بیلون ها تومان وامهای ارزاقتمت را برای انجام طرحهای کشاورزی و دامداری به صاحبان نفوذ سپردند و آنها بجای اجرای طرح با این پولها به قمارخانه هارفتند و برای خود در سواحل اروپا ویلا و تفریحگاه خریدند.

صندوقی بنام صندوق امداد کشاورزان درست کردند که اگر محصول کشاورزی در اثر آفات سماوی از بین برود با کمک کنند ولی بجای آنکه این کمک فوری وآنی انجام شود پرداخت آنرا به گذشت یکسال تمام از بروز سانحه موکول میکردند و تازه ریزش برف سنگین و بهمن را نیز جزء آفات سماوی بحساب نمیآوردند. برای آنکه کشاورزی را کاملاً مختل کنند سعی کردند با کمک به قیمت نان، اتوبوس، برق، گوشت به شهرنشینها و نگذارن این کمکها در اختیار روستائیان آنان را به شهرنشینان هدایت نمایند.

در برنامه دولت راجع به امرآموزش و پرورش مطلبی ندیدم. پیشنهاد میکنم که دولت در این مورد نیز مادهای در برنامه خود بگنجانند. دانشگاه مکان مقدسی است این صحیح نیست که تاهر وزیرری را از وزارت برداشتنند. اورا رئیس دانشگاه تهران قراردادند و آنجا را یک کانون مخالفت با دولت قراردادند. رئیس دانشگاه باید دانشگاهی باشد همانطور که وزیرآموزش و پرورش باید فرهنگی باشد.

رئیس دانشگاه باید جایش در دل دانشجو باشد نه دراطاق خویش و با چند سکرتر و محافظ. رئیس دانشگاه باید با دانشجو نشست و برخاست کند، غذا بخورد، وقتی بیمار میشود بیادتش برود فرا رسیدن عید را باو تبریک بگوید و مصیبتها را باو تسلیت بگوید چنین رئیس دانشگاهی موفق است که خوشبختانه حالا ما رئیس دانشگاه خوب و دانشمندی داریم.

برنامههای آموزشی مدارس باید با نظر دبیران تهیه شود محل کارآموزگاران و دبیران باید با رضایت خودشان تعیین گردد و تغییرات برنامه ای باید با موافقت آنها انجام شود. کتابهای درسی باید توسط خود آنها نوشته شود والا نتیجه همان خواهد بود که می بینیم.

دانشجویان باید بطور مرتب در جریان پیشرفت ها و مشکلات و سختی های وطن و هموطنان خویش قرار داشته باشند و از فکر و اندیشه آنها استمداد شود تا برای رفع مشکلات راه حل هائی پیشنهاد کنند به بهترین راه حل ها جایزه بورس، کتاب داده شود. وظیفه دولت ها

است که از نیروی فکری دانشجویان نهایت استفاده را بکنند چه آنها رجال سیاسی آینده کشورند و وظیفه هر دولت تربیت رجال سیاسی برای فردای مملکت است که متأسفانه در دولتهای پیشین این امر بسیار مهم عمداً نادیده گرفته شد.

برای دانش آموزان باید برنامه ای تدوین کرد که به درد فردای آنها بخورد عمق اوقیانوس کبیر رادانستن چه فایده ای برای یک دانش آموز دارد در حالیکه ما دیدیم که در گذشته برای آزدن همین دانش آموزان خردسال ساعت چهار ونیم صبح آنها را از خواب بیدار میکردند که ساعت شش صبح است و بلند شوید و در تاریکی سحر به مدرسه روید.

در ماده ۱۶ برنامه دولت راجع به اخراج کارمندان خارجی و کارگران خارجی غیرمجاز لازم است بعضی برسانم که بر اثر خوابیدن کارهای ساختمانی ما دیگرمانند سالهای پیش نیاز به کارگر ساختمانی خارجی نداریم و میدانیم که بسیاری از آنها فقط عمه هستند و دولت باید بدون استثناء کلیه آنها را از کشور خارج کند تا امنیت مردم بیش از این بخطر نیفتد و برای ده تومان سربکدیگر را نبرند و با مانند حادثه ورامین و کرج نیمه های شب بخانه مردم هجوم نبرند و ساکنین آنرا قتل عام نکنند.

دوماده ۱۷ برنامه دولت اشاره ای به امنیت اجتماعی شده است. من به این ماده ارج فراوان مینهم و از دولت میخواهم که عمیقاً آنرا بمورد اجرا درآورد.

این درست نیست که هرکس با هرکس دشمن است نسبتی ناشایست باو بدهد و بلافاصله جماعتی فرصت طلب خانه و کاشانه او و زن و بچه اش را به آتش بکشند تمام حضرات آیات عظام از جمله حضرت آیت الله خمینی مردم را از انتقام شخصی و خصوصی بری داشته اند.

باید بر اساس ماده ۳ برنامه دولت تمام کسانی که در گذشته مردم ظلم کرده اند و بحقوق آنان تعدی نموده اند در محاکمه قانونی و یا محاکم شرعی به اشد مجازات محکوم شوند.

ما هر شب می بینیم که آیات عظام حتی مردم را به احترام به ارتش تشویق میکنند آنوقت در روزنامه ها میخوانیم که جمعیتی هجوم به پاو کینگ های ارتش و آتش زدن آنها را منسوب به خود کرده و در این کار حتی فتوای رهبران مذهبی و پیشوایان دین را نیز نادیده گرفته اند آیا برای فردای ما تضمینی هست که بازم گروهها و فرقه های دیگری سر از فرامین آیات عظام برتابند و

رأساً و مستقلاً راجع به اتمام اعمال تند واحد تصمیم بگیرند.

آقای دکتر بختیار دولت شما مثال موشکی است که از کره ماه برمیگردد این موشکها وقتی به ۶ هزار کیلومتری زمین برسند باید برای خود یک زاویه فرود تعیین کنند که این زاویه فوق العاده تنگ و باریک و در حدود پنج درجه است. اگر موشک برگشت کننده کمتر از پنج درجه بسوی زمین آید موفق به فرود به زمین نخواهد شد و جذب کائنات خواهدگشت و تا دنیا دنیا است در جهان خلقت سرگردان میگردد و اگر زاویه فرود بیش از ۵ درجه باشد دوائر برخورد با جو زمین محو و نابود میگردد. شما و دولتتان در حال حرکت در چنین مسیر خطرناکی هستید و یک درجه انحراف از این زاویه شما و دولت را برای همیشه از بین خواهد برد. شما سعی کنید در این راه بسیار دقیق بحجت حضرت آیت الله خمینی را نیز بسوی خویش جلب کنید. این کار رسیدن شما را به هدفتان و برنامهتان نزدیکتر خواهد کرد.

آقای دکتر بختیار، وطن در خطر است، امروز هرکس برای حفظ استقلال کاری از دستش برنیاید باید انجام دهد. برای ایرانی هیچ چیز مقدس تر از وطنش نیست. هستند عناصر نابکاری که نمیخواهند مبارزه اصیل و جنبش عظیم ملت ایران بشمر برسد. باید ضمن انجام خواسته های ملت ضمن برآوردن آرزوهای آنها، ضمن قبول تقاضاهایشان متوجه گروههای خرابکار نیز بود و با استفاده از قدرت وسیع پیشوایان مذهبی و اجرای قوانین عادلانه هم وطن را حفظ کرد و هم حق مردم را برمد داد. (احسنت)

نایب رئیس - آقای حسینعلی سلیمانی تشریف بیاورید حسینعلی سلیمانی - بسم الله الرحمن الرحیم جناب آقای رئیس، همکاران گرامی، با استعانت از بیان قرآن که فرموده است: «ولا تلبسوا الحق و تکتموا الحق و انتم تعلمون» آغاز سخن میکنم و به عنوان مقدمه بعضی میرسانم مظاهر دنیوی اگر در بوته شبه منطق نظری کورانه گداخته شود لاجرم به کسوت مصالح آبی و یا آبی شخص ملبس میگردد. و خشت اول بنای انحراف از حق و افتادن در بستر مصلحت دنیوی، از مقام و موقعیت گرفته تا زر و سیم گذاشته میشود. و در همین بیغوله پست و حقیر، ولی رنگین و ظاهر فریب دنیوی است که سقوط انسانها آغاز میگردد و آیه هشتاد سوره بقره مصداق پیدا میکند که فرموده است: «اولئك الذين اشتروا الحياة الدنيا بالآخرة فلا يخفف عنهم العذاب ولا هم ينتصرون» با حفظ مقدمه فوق

اجازه میخواهم با توجه به محدود بودن وقت عرایض خود را در دو قسمت که یکی مربوط به سیاست خارجی و دیگری در زمینه سیاست داخلی میباشد بطور خلاصه به عرض برسانم.

۱- جناب آقای دکتر بختیار: اشاره به این نکته که «دولت اینجانب نتیجه مسلم انقلابی است که از دوسال پیش برای رفع تجاوزات مستمر و فجایع غیرقابل توصیف، که در کشور متداول گردیده است میباشد» قهراً اشاره به وضع اسفباری است که با همه دانسته وسیع عوامل منفی و خست زای آن، نمی تواند از قاعده کلی علت و معلولی بدور باشد. و من متعجبم در حالیکه در متن برنامه به موجودیت معلول اشاره شده است به خاطر کدام مصلحتی از ذکر علت، در تمام طول برنامه طرح شده، احتراز بعمل آمده است. عجیب تر اینکه در همه گفته ها و نوشته های مربوط به وقایع اخیر کشور، کمتر می توان اثری از ذکر علت ناسامانیه های اخیر کشور موردی پیدا نمود. بنابراین اجازه می خواهم، قبل از ورود در بحث، و لولاینکه تکرار مکررات هم باشد به چند موضوع از فساد ساخته شده (ونه به وجود آمده) آنهم برای توجیه علت اصلی، بطور مثال اشاره نمایم: مثلاً در برنامه دولت از برنامه ریزی، زمان بندی و اجراء در جهت خود کفائی کشاورزی و دامپروری کشور صحبت شده است، و لازم بیادآوری میدانم که اینجانب نیز در چهارمین جلسه همین مجلس در تاریخ ۳۱ فروردین ماه ۱۳۵۵ اعلام داشته ام: (در زمینه کشاورزی، خودیاری اقتصادی حکم میکند که فرآورده های کشاورزی را در داخل تولید کنیم، عدالت اجتماعی حکم میکند که درآمد کشاورزان متناسب با درآمد شهرنشینان افزایش یابد، سیاست کشاورزی حکم میکند که ثبات قیمتها از نظر مصرف کننده تأمین شود) ولی دیدیم که زندان، با توجه به این اصل که «انسان همیشه نفع خود را میخواهد، اما همیشه آنرا تشخیص نمیدهد، و نیز با علم به اینکه نمی توان ملتی را قاسد نمود، ولی اغلب میشود ملتی را گمراه ساخت، تا جائیکه زیان خود را بخواهد» آمدند و در قالب برنامه های پرطمطراق، و کلماتی زیبا، و شعارهائی گوشنواز ولی توخالی، سالها به گمراه ساختن ملت پرداختند، و تمام مظاهر کشاورزی مملکت را از بین بردند و از کشتزارهای زیبای چند هزار ساله این سرزمین اهورائی بیابانی خالی و ترک خورده و متروک بوجود آوردند. بطوریکه با پائین نگهداشتن مصنوعی و عمدی، بهای تولیدات کشاورزی، و ایجاد اشکالات فراوان اداری و فنی برای شاغلین در امر کشاورزی، و

ایجاد مراکز انهدام کشاورزی سنتی، تحت عناوین زیبا نظیر، شرکتهای سهامی زراعی و قطبهای کشاورزی... و سلب روحیه کار و زحمت و خصلت سنتی (کارفرما و کارگر و کارشناس) بودن کشاورزان سنتی، و تجاوزات غیر انسانی به حریم کشاورزان تحت عنوان حفاظت از زمینهای ملی شده و خشکابیدن قنات هائیکه قرنهای منیع سرشار آبیاری مراکز کشاورزی بود. و ملی کردن بنگلها و واگذاری آنها به افرادی خاص. و درهم ریختن اساس آبیاری در امر کشاورزی، تحت عناوین ملی کردن آنها و اخذ بی دلیل حقايق و ممنوعیت حفر جاه عمیق. و وضع اجرای قانون ممنوعیت قطع اشجار، که عملاً منجر به خودداری از کشت اشجار شد و مخصوصاً اضمحلال امر دامداری و یا حداقل لطمه دیدن آن، تحت عنوان قرق سرزمینهای اجدادی دامداران و ملی کردن مراتع. و ایجاد مشکلات عدیده. در مسیر مکانیزه کردن امر کشاورزی و وابستگی غذایی امر دامداری و حتی مرغداری به تولیدات خوراک دامی کشورهای خارج. و خلاصه صدها برنامه منظم و حساب شده دیگر در همین زمینه و یا زمینهای دیگری مانند صنایع وابسته مونتاز، و ایجاد اغتشاش در برنامههای آموزشی و پرورشی مملکت، چنان ضربتی بر پیکر اقتصاد نسبتاً سالم مبتنی بر تولیدات چند پایه ای داخلی زدند که بنا بودی و یا وابستگی کشانیده شد. بنابراین با مطالعه دقیق روشهای بکار گرفته شده، و اقدامات انجام یافته، برای بوجود آوردن وضع موجود، نمی توان قبول کرد که اینهمه، نتیجه یک تصادف و یا معلول فساد مالی گذشته باشد.

جناب آقای بختیار: من را خواهید بخشید اگر می گویم، در برنامه دولت خود با ذکر جملاتی نظیر: «خطر کنونی (ونه گذشته) که موجودیت و وحدت کشور را تهدید می کند اگر بظاهر از درون کشور و معلول فساد و عدم لیاقت دولت های ۲۰ ساله اخیر بوده یک توطئه بین المللی عظیمی است علیه موجودیت ایران» و یا نظیر: «باید سازمان دیپلماسی خود را که در واقع پیاده کننده و مجری سیاست خارجی است مورد تجدید نظر کامل و قطعی قرارداد، تا عوامل منفی و موانعی را که در گذشته وجود داشته مانند: قانون شکنی، تبعیض بی بند و باری، حیف و میل اعتبارات دولت، و تسلسل روابط بر ضوابط از میان برداشته شود» و نظایر آنها که در مصاحبه های خود فرموده اید به نظر میرسد، آشکارا می خواهید آنچه را در گذشته بر سر ملت ایران آمده است ضمن تفکیک صنایع از مسائل امروز، منحصر معلول فساد داخلی و فاسدان متحد گذشته بدانید. ولی من اعتقاد دارم اگر مصلحتی موجب

چنین برداشتی در توجیه علت اصلی نابسامانیها نباشد، قطعاً در ارزیابی روابط علت و معلولی جریانات کشور اشتباه بزرگی رخ داده است.

زیرا من آنچه را که، از هرون تعدی و تجاوز بوقوع پیوسته است، یک برنامه حساب شده بسیار متین و محکم می بینم که بوسیله افرادی کاردان و کارشناسانی ماهر طرح و بدست مقدمین علیه امنیت و موجودیت کشور به مرحله اجرا درآمده است. و رواج مجازات بی حساب از طرف آنان نیز شاهد دیگری بر این مدعا است زیرا فساد دستگاه، وقتی منتزع از قصد و نیت قبلی باشد بمنزله مرض در بدن انسان است و بدیهی است که مرض جز ضعف برای مریض ره آورد دیگری ندارد، و عصبی حکومت ضعیف عصبی مجازات است و پس. و از همین رو است که گفته اند کثرت مجازات نشانه ضعف حکومت است، زیرا هیچ کس آنقدر شرور نیست که نتوان او را برای کار خیری آماده ساخت، ولی اجرا کنندگان برنامه های اضمحلال بنیادهای اخلاقی و پایه های اقتصادی مملکت احتیاجی نداشتند تا تربیت را جایگزین مجازات سازند.

(در ساعت چهار و چهل دقیقه بعد از ظهر آقای دکتر خطیبی کرسی ریاست را ترک کردند و آقای دکتر جواد سعید ریاست جلسه را بعهده گرفتند)

و حالا این سؤال مطرح است، چنانچه وضع نابسامان فعلی تنها فساد مالی گذشته نیست. پس از کجا سرچشمه گرفته است؟ و من با اینکه نمی دانم چرا پاسخ این پرسش حیاتی در برنامه دولت مسکوت مانده است،

بناچار علیرغم وضوح موضوع، و با اینکه خداوند را خوش نمی آید چیزی را که در آن آسان است، به اثبات رسانم ولی با یادآوری سوگندی که یاد کرده ام، به ذکر علت اصلی همه این نارسائیهای می پردازم:

جناب آقای دکتر بختیار: من ساعتها از خود پرسیدم ملت ایران از کدام مصیبت ناپیدا، توانستند این شور انقلابی را که در وادی رضا و تسلیم باخبر غنوده بود، بیرون بکشند، و این همه توانائی و پایداری را در راه انقلاب خود پیدا کنند؟ و بالاخره برخلاف نظر شما که آن را در قالب فساد مالی داخلی اعلام داشته اید، درجائی دیگر پیدا کرده ام. یعنی ضمن جستجوی عمیق خود، با کمال تعجب ریشه همه گرفتاریها را در یکجای یعنی در سیاست خفقان نفت پیدا نموده ام.

یعنی در این مملکت، بدست کسانی که هنوز هم از طریق وسایل ارتباط جمعی، از نوحه خوانی به حال ملک و ملت و مخصوصاً به حال اقتصاد مملکت، به نیت فراهم ساختن

زمینه ای برای تحمیل یک قرارداد دیگر نفتی، دست برنمی دارند، یک نظام خاص نفتی برقرار شده است، که از همان آغاز، دامنه تسلط آن روز بروز توسعه پیدا کرده است. بطوریکه رفته رفته آثار جنینی آن، رویه فزونی گذاشته است.

و درست در همین مسیر است که امروزه، در هر ردپائی به جنایتهای متعدد نگهبانان همان نظام نفتی برمیخوریم، و در نهایت امر متوجه میشویم که، در سایه زد و بندهای ناشر از آن، به سوی یک اقتصاد مبنی بر تولید واحد و یا تک تولیدی رانده شده ایم.

بدیهی است پناه جستن ما در نهاد تولید واحد، برای امپریالیسم از دوره سود دارد. یکی از آنچه تولید میشود. و دیگری از آنچه تولید نمیشود و بنابراین تحمیل قراردادهای یکطرفه، غارت منابع ثروت ملی، اعمال حاکمیت در تغییرات احتمالی سنواتی و یا ادواری، میزان تولید، و نحوه نرخ گذاری و حتی نوع پرداخت، تنها یک طرف قضیه و از نظر من طرف کم ضرر آن است.

زیرا: در طرف دیگر، آنچه قرض دارد، که تولید نمی شود. و بهتر است بگویم نباید تولید شود. و به پیروی از همین سیاست است، که تبدیل یک کشور به بازار فروش محصولات صنعتی آن کشورها مطرح و عملی میشود.

و نیز به پیروی از همان سیاست اقتصادی مبتنی بر تولید واحد است که لازم می آید، زمینهای کشاورزی و مراتع بصورت بایر باقی بمانند، و دامداری بنا بودی کشانده شود، تا پرداختی های خود را بابت بهای خرید نفت مجدداً به جیب کشاورزان و دامداران خود بازگردانند. بعلاوه وابستگی یک کشور از نظر تمام مظاهر اقتصادی، به تولیدی واحد، آنها هم از نوع احتیاجات خریداران آن، پایداری اقتصادی و در نتیجه سیاسی آن مملکت را در روزهای مبدا به حداقل ممکن تنزل میدهد؛ و چنانکه در برهه ای از زمان، بدلایلی لازم آید که، تابع نظر خریداران نباید شد، با چنان اقتصاد آشفته ای، روبرو میگردند که در اندک زمانی توانائی پایداری باقی نمی ماند و این درست همان نکته ای است که امروزه بعضی از هموطنان شناخته ما، تحت عنوان، وضع اسفناک اقتصادی بما گوشزد می کنند. تازمیننه فکری عقد قراردادی دیگر فراهم شود.

جناب آقای دکتر بختیار: امیدوارم و از خدایم خواهم منظور جنابعالی، در بند چهار سیاست خارجی برنامه دولت خود مبنی بر اینکه «برنامه توسعه اقتصادی را با آرامش در روابط بین المللی ملازم دانسته اید» متبادر به چنین معنائی نباشد.

وگرنه چنانچه راه شما هم راه نفت، و تجدید قراردادهایی از نوع گذشته باشد، این پیش بینی محتوم را از من بپذیرید، که حتی در صورت توفیق همه جانبه همه برنامه های دیگر دولت خود، باز هم مملکت را به پرتگاهی ژرفتر و خطرناکتر از آنچه امروزه شاهدش هستیم سوق خواهید داد.

پس چنانچه توانستید از مجلس رای اعتماد بگیری راهی به عمق مصالح بنیادی ملت ایران برگزینید، و بدانید که ملت ایران آزادی را با تمام مخاطراتش بر مراتب بیشتر از بندگی توأم با آسایش دوست دارد.

جناب آقای بختیار: قسمت دوم غرایضم را که در آن صرفاً یک مسئله داخلی مطرح است، با جمله ای از فرمایشات مولی علی (ع) در نهج البلاغه شروع می کنم که فرموده اند «هیچ فقیری، فقیر و گرسنه نگشت، مگر بواسطه آنچه توانگری با آن توانگر و کامیاب گردید» در این بیان اعجاب آمیز، مهمترین قوانین و روابط اقتصادی، از چگونگی عرضه و تقاضا گرفته، تا رابطه کار و سرمایه و حتی مسئله ارزش اضافی خلاصه شده است. و در تکمیل این مطلب گفتار دیگری از همان کتاب میآورم که فرموده است «هیچ نعمت موفوره و بر روی هم انباشته ای را ندیدم، مگر اینکه در کنار آن، حق ضایع شده ای موجود است» گوئی این کلام بزرگ همین دیروز و در تشریح وضع اقتصادی و اجتماعی ما گفته شده است: که در آن مضرات و عواقب شوم نظام طبقاتی و انحصار طلبی و مالکیت کنترل نشده و استثمار طبقات حقوق بگیر و تضییع حقوق توده ها و سلب مالکیت از دیگران بخوبی نمایانده شده است.

بنابراین با توجه به آیات: «۳۲: نساء - ۷۱: نحل - ۳۲: زخرف - ۲۴۷: بقره - ۸۸: اعراف - ۱۴۶: اعراف - ۳۴: سباء و زخرف و...» تا زمانیکه عدالت در توزیع ثروت ملحوظ نگردد، فراوانی آن در مملکت اثر اجتماعی مثبتی نمی تواند داشته باشد و حتی جز ایجاد فاصله طبقاتی و مآلا بروز ناراضائی عمومی حاصلی نخواهد داشت. بعلاوه ضمن رواج تجمل پرستی، هدف جای خود را به وسیله واگذار خواهد کرد، و در چنین بازار آشفته ای است که جبراً تجمل نزد بزرگان حکمفرما خواهد بود. و حرص و ولع فرمانروای تمام قلبها خواهد گردید، و همیشه خواسته های شخصی تحسین عمومی را برخواهد انگیزد، و تنها کسانی زمینه درخشیدن خواهند داشت، که ثروت داشته باشند، و بدیهی است اگر برای درخشیدن ثروت لازم باشد پس همیشه علاقه به ثروت بزرگترین عشق خواهد بود. و این یک وسیله بزرگ فساد است بنابراین ویرمبنای

توضیحات فوق، و با اینکه خود آن جناب یکبار صحبت از سویال دموکرات بیان آورده‌اید، که قطع نظر از حرفهای فراوانی که در سویال آن دارم و قطع نظر از اینکه آن مکتب در مهد پیدایش و تولد خود با بن بست مواجه شده است، با ما این وصف نمایانم به چه علت در برنامه خود از سیاست منع انحصار ارزشهای انسانی در بنیادی بنام ثروت را، از طریق تعدیل ثروت، و نزدیک ساختن نسبی درآمدها صحبتی به میان نیاورده‌اید.

بنابراین خواستار روشن شدن نقطه نظرهای دولت شما در زمینه مسائل فوق هستیم، تا راههای رفع فساد مالی و اجتماعی و سیاسی و حتی فرهنگی شما برای ملت ایران روشن شود.

جناب آقای دکتر بختیار: درخامنه عرایض لازم میدانم این نکته را اضافه کنم که در برنامه دولت شما، بنا بر مقتضیاتی از: مذهب و دین اسلام، و مراجع عالیقدر تقلید، و جامعه روحانیت و جبهه ملی ایران و روشنفکران صاحب رسالت و کارگران، و صنعتگران، و زندانیان سیاسی و شهدای راه وطن، یاد شده است. و نیز از انقلابی که نتیجه مستقیم خواستهای سرکوب شده آنان است سخن بیان آمده است. و حتی دولت خود را نتیجه مستقیم انقلابی دانسته‌اید که از دوسال پیش برای رفع تجاوزات مستمر گذشته برپا شده است. حال این پرسش مطرح است: بدلیل همین اقرار بلسانی که، نسبت به رسالت تاریخی قشرها، و طبقات مختلف ملت ایران نموده‌اید، آیا با این طبقات و لویوسورت تیپولوژیکی تماس گرفته‌اید، و از تأیید آن طبقات و لویوسورتی طبیعتان حاصل کرده‌اید تا حکومت شامشروعیت داشته باشد. زیرا هر نظام سیاسی، صرف نظر از کیفیت آن دارای فلسفه اعتقادی است، ضرورت فلسفه اعتقادی از آنجانب ناشی میشود، که بدون بنیای فلسفی و یا شبه فلسفی مورد قبول عامه، آن نظام فاقد مشروعیت است، و مشروعیت لازمه بقاء و استمرار نظام سیاسی است.

بنابراین چنانچه مورد تأیید ملت ایران نباشید، تنها راه باقی مانده، راه زور خواهد بود، که شما از آن به قدرت تعبیر کرده‌اید. ولی بدبختی این است که از طرفی، علت آن قدرت ناشی از ملت نخواهد بود، و از طرف دیگر هر مدتی که از علتش پا فراتر نهد، از حق خود تجاوز کرده است. و در چنین صحنه‌ای است که ملت به این نتیجه می‌رسد، که اگر لازم باشد به زور اطاعت کرد، دیگر احتیاجی نیست که از روی وظیفه اطاعت نمود و بالاخره در چنین صورتی شما هم به این نتیجه خواهید رسید، که همیشه اختلاف بزرگی میان مطیع ساختن گروهی

از مردم، و اداره یک اجتماع وجود دارد، و با کمال تأسف آن روز دیگر خیلی دیر خواهد بود.

زیرا: عمل حاکمیت نوعی پیمان نیست که، بین رئیس و مرئوس بسته شده باشد بلکه همانند شرطی است که بدن با اعضای خود دارد، و این وقتی یک عمل حقه است، که مورد قبول اجتماع باشد، و وقتی مفید است که جزء رضایت عموم محل انکائی نداشته باشد.

جناب آقای دکتر بختیار: امروزه ملت ایران در اعتلای انقلاب است، و می‌بینید جوانانش در برابر هر پیش‌آمدی سینه سپر کرده است بنابراین جز تسلیم شدن در قبال اراده عمومی، هر عملی نوعی خود فریبی است بگذارید آنان که خود را به قدرت و ثروت فروخته‌اند، خود را فریب دهند، و خیال کنند این بار تهنه‌افکار ممکن خواهد بود. ولی شما به آن زن مؤمن چادری که فرزند شیرخوارش را در بغل گرفته، محکم و استوار فریاد اعتراض برمی‌دارد، و بعینده من برای بیدار کردن هروجدان خفته‌ای کافی است، بیاندیشید. و از گذشته‌هایی که آنان را به حساب نیاوردند عبرت بگیرید.

تا چنانچه میدانید مورد تأیید ملت نیستید، به موج بودن خود مغرور و پایبند نباشید. زیرا هر موجی با هر جبهتی از حرکت میرنده و محکوم به زوال است، و تنها آنچه پایدار میماند توج است، و رکن اصلی در استمرار موج نیز علت آن است، که در امواج خروشان جوامع بشری، از آن علت به ایدئولوژی تعبیر شده است، با این شرط که متین و محکم و در مسیر فطرت بشری و مصالح انسانی قرار داشته باشد. و اگر امروزه می‌بینیم که اسلام بعد از چهارده قرن، نه تنها موج خود را از دست نداده، بلکه با پیشرفت مظاهر اندیشه بشری بر قابلیت انطباق خود نیز افزوده است، تنها به این دلیل است که دارنده یک ایدئولوژی پایدار و مبتنی بر عقل فطری تغییرناپذیر بشر است.

فسیحان‌الذی بیده ملکوت کل شیئی و الیه ترجعون رئیس - آقای عباس میرزائی بفرماید.

عباس میرزائی - جناب آقای رئیس، نمایندگان محترم مجلس شورای ملی اول اجازه میخواهم متمسک بشوم بیک آیه مبارک قرآن: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، رب اشرح لی صدری و یسر لی امری و احل لی عقده من لسانی یفقهوا قولی و اجعل لی وزیراً من اهلی، من از خداوند مدد میخواهم بمن یک سعه صدری مرحمت بفرماید کلماتی که اینجا عرض می‌کنم تمام برای رضای خدا باشد و برای رضای خدا رضای خلق در او مستتر باشد. ابتدا اجازه میخواهم قبل از اینکه در برنامه دولت بعنوان موافق دلیلم را عرض

کنم، چنانچه به یک مطلبی که مربوط به خود ما مجلسیان است در ساحت مقدس مجلس در حضور شما نمایندگان محترم عرض کنم آقایان خانمهای محترم ملاحظه بفرمائید این روزنامه اطلاعات مربوط به دیشب است. در این روزنامه جناب آقای بنی‌احمد نماینده محترم مجلس شورای ملی که الان در پاریس تشریف دارند و در آنجا ملکی دارند برای خودشان خریدند و شاید وطن دوشان باشد انشاء الله و وطن اولشان نباشد در آنجا علیه مجلس ایران که مطابق اصل ۱۱ قانون اساسی هر نماینده‌ای وقتی وارد مجلس شورای ملی شد ابتدا قسم‌نامه مجلس را طبق اصل یازدهم قانون اساسی اینجا قرائت میکند و قرآن کریم را می‌بوسد و امضاء می‌کند جناب آقای بنی‌احمد در آن قسم‌نامه همه شما شنیده‌اید هلت ایران هم از این صدای بلندگوی رادیو تلویزیون بشنود مادر آن قسم‌نامه، اگر لازم بود یا رئیس مجلس اجازه میداد منشیها قرائت میکردند یا قانون اساسی را مرحمت می‌فرمودند خودم قرائت میکردم

«اصل یازدهم - اعضاء مجلس بدو آن که داخل مجلس میشوند باید بترتیب ذیل قسم خورده و قسم‌نامه را امضاء نمایند»

این قسم‌نامه‌ای است که قانون اساسی نه متمم قانون اساسی در صدر مشروطیت اولین مجلس مؤسسان ملت ایران تصویب کردند و بعد از این هم تسمی داشته است صورت قسم‌نامه

«ما اشخاصیکه در ذیل امضاء کرده‌ایم خداوند را شهادت میطلبیم و بقرآن قسم یاد میکنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه محفوظ و مجری است تکالیفی را که بما رجوع شده است مهیا میکنیم با کمال راستی و درستی و جهد و جهد انجام بدهیم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفتخ خودمان صدیق و راستگو باشیم و به اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمائیم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران» این مسأله....

رئیس - آقای عباس میرزائی چه چیز را میخواهید ثابت کنید؟

عباس میرزائی - الان عرض میکنم، در روزنامه مطلب بنی‌احمد را ببینید چه نوشته‌اند استدعا میکنم چون مخاطب قراردادید و فرمودید تشکر میکنم بنابراین روی سختم شخصاً با جنابعالی است چون مخاطب قراردادید در

روزنامه از قول آقای بنی‌احمد نوشته است «مجلسی که بیست و پنج سال از حکومتهای فاشیستی حمایت کرده چگونه حالا به دولت سوسیالیست رأی تمایل میدهد؟ امروز احمد بنی‌احمد نماینده مردم تبریز در مجلس شورای ملی در یک تماس تلفنی از پاریس، بار دیگر پارلمان فعلی را ضد ملی و غیر مردمی خواند (یک نفر از نمایندگان - غلط کرد! خودش ضد ملی است) و ضمن حمله به اقدامات اخیر مجلس در دادن رأی تمایل به دکتر شاپور بختیار این عمل نمایندگان اکثریت را غیر قانونی خواند» ما میخواهیم ببینیم جناب رئیس مآ که قسم میخوریم حقوق مجلسیان را مهیا میکن در مد نظر داشته باشیم با قرآن، این حقوق مجلسیان است؟ آیا این رأی تمایلی را که یک رئیس‌الوزراء قبل از اینکه فرمان بگیرد، از نمایندگان ملت ایران خواسته این جرم است؟ این خلاف قانون است؟ من از جنابعالی سؤال میکنم اینجا ایشان بگوید: «هرگز دیده نشده که یک پارلمان که بیست و پنج سال حکومتهای فاشیستی را حمایت کرده حالا ناگهان یک پارلمان سوسیالیستی از آب درآید» آیا بنی‌احمد از یک شیوه معین سیاسی پیروی میکند یا بعد از انتخابات شیوه خودش را عوض کرده است؟

رئیس - آقای عباس میرزائی روزنامه را بدهید خودشان بخوانند.

عباس میرزائی - آقای رئیس مجلس، آیا سزاوار است که نمایندگان ملت در فضای باز سیاسی آزاد نباشند و صحبت کنند ولی آقای بنی‌احمد آزاد باشند آنچه را که مایل هستند بگویند و ماسکت بمانیم، آیا این سزاوار است که هر کس درباره ما هر چه میگوید آزاد باشد و جوابش را آزاد نباشیم بدهیم بنده الان برای این آقایانی که ما را نماینده فاشیست و نماینده رأی دادن به هویدا و از هاری و شریف‌امامی می‌نامد و حالا هم میگوید بختیار رأی میدهد من الان عین مذاکراتی را که شخص ایشان نسبت به آقای هویدا گفته است می‌خوانم (همه نمایندگان) آقای بنی‌احمد گفته است:

«اگر کسی اینجا صحبت می‌کند و مطالبی را تجزیه و تحلیل میکند ملاحظاتی دارد که این ملاحظات را طرح میکند و بنظر من این خود بدعت بسیار جالبی است در عصر رستاخیز که ماشمی پیدا کردیم که دوران جمع بشویم و شادابی اجتماعی خود را بدینا نشان بدهیم بعد از انقلاب ایران انقلاب شاه و ملت، جامعه ما واقعاً دارد شکوفان میشود مخصوصاً بعد از فرمانی که شب ۱۱ اسفند

صادر شد همه ملت ایران منتظر آن بودند»

این از فرمایشات آقای بنی‌احمد بود که در صورت مذاکرات مجلس شورای ملی ایران چاپ شده است و دنباله آن: «از آن پس همه بغالتهای اجتماعی پرداختند این فرمان افراد فعال را فعال ترک کرد و افراد منزوی هم بمیدان کشیده شدند فرصتی شد که هر کس استعداد و توانائی و قدرت کار کردن دارد در یک فضای سالم سیاسی و اقتصادی و اجتماعی قدرت خودش را نشان بدهد بنابراین در چنین عصری ما زیاد روی تغییر قیافه‌ها تکیه نمی‌کنیم و اصولاً تغییر در قیافه‌ها ضروری نیست مسئله اینست که قیافه‌هایی که ما داریم مدیران اجرایی که ما داریم چه مقدار توانائی تطبیق با رویدادها را با خود دارند اگر این ظرفیت را دارند چرا باید تغییر کنند اگر روال کاری در گذشته بوده که شخص جناب نخست وزیر شاید یکی از شخصتهای بارزی بودند که انتقاد را پیشگام شدند و بحث و گفت و شنود را گشودند دلیل این است که شخص جناب نخست‌وزیر توانائی تطبیق با حوادث و مسائل و آنچه که ممکن است اتفاق بیفتد در قیافه‌های اجرایی ما در کابینه یا در میان وزیران دارند انقلاب با نیروی محرکه‌ای که داشته و شاهنشاهی بزرگ ما در هر لحظه‌ای که ضرورت ایجاد کرده علت حوادث بودند و همین علت حوادث بودن بوده است که باعث شد ما امروز بمرحله‌ای برسیم که گذشته خودمان تکیه بکنیم و افتخار بکنیم جناب آقای نخست وزیر در تشریح برنامه دولت تکیه ایشان روی «شده» و «خواهد شد» بود در تمام موارد مابه شده‌ها درست ملاحظاتی داریم کارهای زیادی شده و به آنچه خواهد شد واقعاً و صمیمانه امید بسته‌ایم کارنامه دولت هویدا مهرضایت شاهنشاهی و ملت را خورده است (همه نمایندگان)

توکلی - خاک بر سر بنی‌احمد.

رئیس - آقای عباسمیرزائی شما می‌توانستید طبق ماده ۱۳۰ راجع به این موضوع تذکر و اخطار بدهید و من خواهش می‌کنم در برنامه دولت صحبت بکنید اینها مربوط به برنامه دولت نیست.

عباسمیرزائی - من قربان؟ در برنامه دولت آزاد، ایشان در برنامه....

رئیس - آزاد چی هستید؟ باید در برنامه دولت صحبت کنید.

عباسمیرزائی - چشم قربان، وارد برنامه دولت می‌شوم، ایشان بما گفته چرا به برنامه دولت رأی می‌دهید

حالا میفرمائید آن تکه را نخوانم امر شما را اطاعت می‌کنم رئیس - میخواستید تذکر و اخطار بدهید و بیایید صحبت کنید.

عباسمیرزائی - آخر در برنامه دولت نمیتوانستم تذکر بدهم باز هم میفرمودید برنامه دولت مطرح است مجبور شدم توی برنامه دولت حرفم را بزنم (خنده نمایندگان) دستور جنابعالی را اطاعت می‌کنم حالا اگر اجازه می‌دهید دو تا کلمه را بخوانم دوباره طبق ماده ۱۳۰ استفاده کنم جناب آقای بنی‌احمد مربوط به کشور و دولت ترکیه چنین و چنان حالا میفرمایید... جناب بنی‌احمد...

توکلی - آن فرمایشاتشان قبل از گرفتن دستور از کرملین بوده است.

عباسمیرزائی - خوب حالا بگذارید این تکه را هم بخوانم و ببینید این تکه مذهبی را چه میفرمایند آقای بنی‌احمد میفرمایند: «سال زن را جشن میگیریم و کارهایی که مربوط به تظاهر است و ذر مواقعی هم لازم است می‌کنیم اما کارهایی که باید در حق اینها انجام بشود کارهای اساسی تأمین مادی و معنوی بانوان است تأمین حیثیت شغلی برای آنهاست نه بصورت دکور در ادارت مطابق قوانین مدنی ما زن از ماترک شوهر یک حق قانونی دارد که میبرد ۱/۴، ۱/۸ این ماترک را اسلام میگوید، قرآن میگوید که از جمیع ماترک تلقی میشود» که من نفهمیدم اسلام کجا است، قرآن کجا است ایشان قرآن را یک چیز میدانند و اسلام را یک چیز «نظر فقهای امامیه هم مشتت است عده‌ای میگویند ماترک از جمیع مال است عده‌ای میگویند از عرصه زن سهم نمی‌برد ولی اسلام دینی است که با عقل سازگار است هر چه را عقل حکم کرده در اسلام هم مورد تأیید است این یک تالی فاسد دارد فرض بفرمائید مردی میرود به دفترخانه...»

رئیس - آقای عباسمیرزائی بیروید توی برنامه دولت.

عباسمیرزائی - تمام شد چیست؟! یک خط دیگر است اجازه بفرمائید... فرض بفرمائید مردی میرود به دفترخانه برای انتقال یک قطعه زمین خودش که میلیونها تومان میارزد آنجا نشسته است اگر پنج دقیقه قبل از امضاء سکه کرد و مرد، زن هیچ چیز نمی‌برد اما اگر پنج دقیقه بعد مرد که امضاء کرده باشد زن حق شرعی خودش را بگیرد... اینجا ملاحظه بفرمائید در فقه اسلام در مسائل مردم وقتی میدان پیدا میکنند هر چه میکنند میکنند ولی بنده وارد مطالب خودم می‌شوم طبق دستور جناب رئیس و اطاعت می‌کنم از این رئیس خیلی بخشید جناب رئیس

میشوم راهنماییهای خوب کنیم وقت مملکت و وقت دولت را برای هدایتش بگیریم نه برای گله از گذشته.

گذشته هر کس مربوط به خودش است محکم هم حشش را بدهد. ما در اینجا بگیریم بنشینیم، من راجع به رادیو و تلویزیون تشکر می‌کنم از رئیس مجلس، واقعاً اینجا فرمودند. والله بالله من در اینجا می‌خواهم گله‌اش را به شما بگویم. آقایانی که در کمیسیون بودجه چندین سال

بوده‌اند دیده‌اند برای یک تبلیغات مذهبی ما چقدر به مدیر عامل رادیو و تلویزیون می‌گفتیم که آقا! این اذان مغرب را بگذارید. می‌گفت مثلاً ماه رمضان می‌گذارم ماه‌های دیگر نمی‌گذارم. گفتیم آقا! مگر ماه‌های دیگر، ماه اسلام نیست؟ می‌گفت اخبار عقب می‌رود، اخبار جلو می‌رود. خوب، این بی توجهی به اسلام، بی توجهی به

مذهب یک نفاق ایجاد کرد این آقا آمده می‌گوید من کارم این است که با مراجع تقلید با علمای اعلام استمداد میکنم در تمام مراحل هر موردی که با قانون اسلام مغایر است بمن تذکر بدهند تشریف بیاورند دستور بدهند

من مطیعم، خوب این آقا آمده دارد این حرفها را میزند چطور ما بگوئیم این حرف را قبول نداریم اسلام قهش این است که اگر کسی گفت لا اله الا الله مسلمان است، نمیتوانیم بهش شک کنیم چطور این آقا میگوید من با

مراجع تقلید حاضرم با تمام علمای اعلام با حجج اسلام بنشینیم، دعوت کنند حضورشان شرفیاب شوم و ایشان استمداد می‌کنم. رفتند دانشگاه را علماء کمک کردند و

افتتاح کردند. چقدر خوب بوده. دولت در حدی که دارد راه خوب می‌رود باید کمکش کرد باید به مردم گفت که به این دلیل مجلس رأی میدهد باید گفت که آقای بنی‌احمد

که حالا آقای رئیس فرمودند روزنامه‌اش را نخوان این حرفهایی را که نوشته ذهن مردم ایران روشن بشود که آقای بنی‌احمد بما اکثریت می‌گوید، اکثریت و اقلیت

ندارد همه ملت ایران هستند عقیده اظهار میکنند من به جناب پزشکپور سر تعظیم فرود می‌آورم مردی دانشمند است و سایر آنها که به عنوان اقلیت اسم خودشان را گفتند

آقای پزشکپور کی توهین کرده؟ چرا ما بایستی بگذاریم آقای بنی‌احمد برود آنجا روزنامه را بنویسد؟ خیال کند

از آزادی می‌تواند به دیگران لجن بپاشد و خودش را امامانی بکند. مگر ملت ایران گول می‌خورد؟ ما اگر به آقای

بختیار و دولتش رأی میدهیم وزیر کارش که اینجا نشسته شخصت و دو سالش است. این آقای آریانا خودش

سر تعظیم در مقابل این آزادی که شما مرحمت میکنید به تمام نمایندگان و به سنن پارلمانی معتقدید، معذرت می‌خواهم اگر توجه به تذکراتتان بکند فمه نکردم عفو

بفرمائید ما باید به رئیس مجلس کمال احترام را بگذاریم بنده این شعر را هم می‌خوانم:

من نمیگویم سمندر باش یا پروانه باش چون بفکر سوختن افتاده‌ای (یک کمی) مردانه باش

در یک برهه از زمان قراردادیم برنامه دولت بختیار چه اشکالی دارد از نظر شرع، از نظر عرف؟ میگوید سازمان امنیت را منحل میکنم فقط قسمتی را که مربوط

به حفظ و حراست سرزمین ایران است نگه میدارم آنهم با شرایطی که خواهم قانونش را تدوین کرد. آیا با این کلمه هیچ فرد مسلمان و هیچ فردی از ملت ایران می‌تواند مخالف باشد؟ این کسانی که فرزندان داغ دیده‌شان دارند الان در دل ناله می‌کنند این یکی از شاهکارهای این دولت است که صرفاً

کارش قزاز داده است، چگونه مردی بیاید اینجا بعد از ۳۰ سال اقرار آورده که من با این تشکیلات کاری نداشته‌ام حقوق گرفتن در مملکت ما که جرم نیست افتخارش این است که سرمایه کسی را نچاپیده در قبل از این مدت، ما باید حقایق را بگوئیم از خدا بترسیم از تهدید ترسیم خدا بما فرموده:

فاذا جاء اجلهم لا يستخرون ساعة ولا يستقسمون مرگ ما در دست اوست، تاخیر و تقدیمی ندارد، آقای بختیار برگشته گفته است من می‌خواهم در این مملکت آزادی را، آنچه را که حق هر فردی است بطور مساوی برای همه ایجاد کنم. کی میتواند با این حرف مخالف باشد؟ طبق قانون اساسی باید برنامه‌ای را که دولت بما نمایندگان ارائه میدهد عرضه میکند رسیدگی کنیم. وجداناً کدام یک از این برنامه‌های این آقا را می‌توانیم با آن مخالفت کنیم؟ کجا ایشان می‌فرمایند که من می‌آیم مالیات. روی مردم چنین و چنان می‌بندم. کجا ایشان میفرمایند من برای کسانی که این اتفاقات چه در گذشته و چه در حال افتاده حق قائل نیستند ما اگر بنادش هروقت دولت برنامه‌ای آورد گذشته‌ای که خراب شده و بسبب آن خرابی دولت دیگری آمده بیائیم به دولتی که جلویمان نشسته عوض ارشاد و راهنمایی و تأیید و قدرت برگردیم بگوئیم که آقا فلانکس این کار را کرد خوب اگر فلانکس این کار را نمیکرد که آقا نمی‌آمد مقابل ما بنشیند این توضیح واضح است ما باید اگر متذکر

اولین کارمند وزارت کار، مرتب آمده اینجا کار کرده و در مدتی هم که کار کرده بروید از خود کارگران نفت بپرسید وقتی که در خوزستان بودی بپایند از این دکتورزم آرا که در بهداری بیمه های اجتماعی، در بیمارستانها رئیس بود خدمات شایانی به پسرولین و مریض های قیل و سایر مریض ها کرد، چرا ما باید بگوئیم به این آقا رأی ندهید؟ ما که نیامدیم اینجا تبلیغ بکنیم من گمان نمی کنم، من ضمناً مواظب خودم نیستم اگر وقتم دارد از حد میگذرد تذکری، کاغذی بدهید زود اطاعت میکنم بنده نگاه می کنم می بینم مذهب ما، روحانیون ما، همیشه تزکیه اخلاق کرده اند، برای مردم آنها خودشان کسانی هستند که اگر مردم را ارشاد بکنند، مردم پلیس احتیاج ندارند، مردم دادگستری احتیاج ندارند، مردم تجاوز نمی کنند روحانیون و علمای اعلام و مراجع تقلید، رساله هایشان را بخوانید در رساله ها حدود یک زندگی یک آدم از قبل از تولد تا بعد از مرگ معین است. مراجع تقلید کجا آمده اند گفته اند یک نفر درس مهندسی نخواند؟ کجا گفته اند یک زن دانشمند نشود؟ کجا گفته اند یک نفر کارگر نرود تا مقامات عالی را طی نکند؟ مراجع تقلید، معین مرد بزرگوار وقتی در مجلس شورا، در منزلش، در هر جا با او مصاحبه می کنند از روحانیت طرفداری می کند. من را تشویق می کند، مردم را تشویق می کند و الله تو کوچک و بزاز، این در صدم مردم برخلاف آنچه شما آقای دکتر شیروانی فرمودید، خدا را شاهد می گیرم، در صدی از مردمی که به آنها مراجعه کردند گفتند حرفهای این آقا با حرفهای دیگران فرق دارد. مردم امنیت می خواهند الان از روزی که این آقا آمده با یک درایت با کمک از روحانیت با کمک از دانشمندان نفت را راه انداخته، مگر ندیدید که چه سرمای سختی بود؟ مگر بنزین را ندیدید، مردم راه نمی رفتند. چرا ما باید این حقایق را نگوئیم و ملت را روشن نکنیم؟ مردم باید بدانند. باید مهلت بدولت بدهیم. در یک کورانی که نه خزانه، نه نمی دانم اداره، نه اعتصابات هیچ کدام مجال نداده، ما هم در مجلس هی سؤال، هی استیضاح، هی تذکر، هی پیا، هی برو. کجا وقت دنبال کردن داشته باشد؟ بنده به تکه ای از مطلبی را که باید اینجا ببینم، اینجا نوشته اند اینجا بیک زمینه نزدیک همکاری بین دولت و عالم روحانیت اشاره شده خیلی این حرف مهم است. روحانیت این را می خواهد. مسأله احترام به روحانیت، روحانیت تشریفات ندارد. بروید ببینید یک طلبه، یک دانه واعظ یک دانه پیش نماز، یک سرجم تقلید، زندگی اش چگونه است

بروید منزل آیت الله شریعت ماهاری را ببینید. بروید منزل آیت الله نجفی را ببینید. خانه این علما را ببینید، خبری نیست، ساختمان چند طبقه ندارند. یک حصیر و یک ممد نصیر. یک زندگی خیلی ساده پرمعنائی را دارند و باید عتبه شان را بوسید. یک تکه ای اینجا رئیس مجلس درباره ارتش فرمودند، باز تشکر می کنم، ارتش ایران تمام سوزیمین را که الان ما داد می زنیم مس داریم، اورانیوم داریم، نفت داریم، چی داریم، چی داریم، این سرزمین امنیتش بدست این افسران جانباز است، بدست این افسران رشید است (صحیح است) اینجا هرگز حاضر نیستند بطرف ملت یک دانه تیر خالی کنند. اگر مدیریت غلط بود به سرباز چه مربوط است؟ بسبب همین هم مدیریت عوض می شود. سرباز وظیفه چه گناهی دارد؟ افسر نامور چه گناهی دارد؟ مدیرش باید یک مدیر خوب باشد. دولتش باید دولتی باشد که او را هدایت کند. این آقا در دولتش گفته در دانشگاه سربازان را بکشید کنار، در شیراز هم باز شلوغ شده، گفته من باز حکومت نظامی نمی کنم، مدیریت بخرج می دهد. عقده مردم را می شکاند، درد مردم را باید رسیدگی کرد، با زور سرنیزه چند وقت ممکن است یکی ساکت باشد؟ می برد که! صدایش در می آید، فریادش بلند می شود. ما بایستی اعتقاد داشته باشیم به اخلاق. قرآن مافرموده: انک لعلی خلق عظیم با خلق عظیم با مردم رویو بشو، به مردم مشقت نده. والله بالله من نمی دانستم نفت به اسرائیل پی دهند. این صیغه قسم است. من تعجب کردم چرا باید از ما مجلسیان کتمان میشد؟ ما هم اگر ندانیم گناهی نکرده ایم. باز آیه ای در قرآن است، خدا به پیغمبر میفرماید - اگر سرمقدمه و مؤخره اش را فراموش کردم از دانایان بپوش می خواهم - ترجمه اش اینست که: اگر من پیغمبر غیب بیشتری می دانستم خیر بیشتری میبردم ولو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر. حالا اگر فتح و زبرش را غلط خواندم تقاضای بپوش می کنم. هر آینه من غیب بیشتر من دانستم خیر بیشتری می بردم. ما چی هستیم که تمام غیب یک شخص را بدانیم. ما الان می بینیم این آقای بختیار با این سیاق آمده پیش ما، ما چگونه به این آدم بدین بائیم. فردا اگر کاشف بعمل آمد که این آقا هم نتوانست کار کند. قانون اساسی بدست ما یک اسلحه داده: استیضاح، رأی عدم اعتماد، ولی بیخودی که نمی شود از ابتدا شروع کنیم به مبارزه با جا کردن دولت مملکت را تلف کردن. بنده بیشتر از این

وقت را نمی گیرم. فقط تقاضایم اینست دقت کنیم، یادمان باشد که این جوانان مملکتان تمام چشمشان به این پایگاه دموکراسی دوخته شده. ما باید وظیفه مان را در این چند ماهی که از عمر این مجلس مانده آنچنان عمل بکنیم که تمام ملت ایران اگر در غفلت هائی که دیگران کرده اند پای ما بیدان می خواهد بیاید، متوجه بشود. اگر دولت آزاد منشی بیاید و کیل آزاد می تواند کارش را بنحو احسن انجام بدهد. آقایان یک کلمه «سید» توی لایحه می خواستیم اضافه کنیم چقدر بایستی برویم در اطاق رئیس، چقدر برویم این وزیر را ببینیم که آقا «سید» را از توی قانون حذف نکنید. ما که دیگر بوق و کرنا نداشتیم، روزنامه که حرفهای ما را آروز نمی نوشت ولی بیائید بصورت مذاکرات مجلس مراجعه کنید ببینید چه می کردیم. هر کدام از شما نمایندگان چه دلسوزیها در موقع بودجه کردید. خوب، روزنامه نبوده بنویسد، ما چه گناهی داریم که مردم نمی دانند؟ صدای ما کجا بخش می شد که مردم بدانند؟ آقای شریف امامی هم چهار روز تلویزیون را گذاشت اینجا، یک عده ای خود بخود رفتند آنور که می بگویند از گذشته ها، که مردم بگویند بارک الله این حرفها را گفت. من در خاتمه یک تقاضائی از شما دارم، آقای نخست وزیر ما الان در حدود پانزده سال، چهارده سال است در این مجلس نماینده از گروه کارگر داریم. دوازده سال داریم، هشت سال داریم، و چهار سال هم در این دوره داریم و تمام ما از تمام دولت ها تقاضا کردیم، آقا! گرفتاریهایی در قانون کار و بیمه های اجتماعی هست بیائید و بهر صورت این را بیاورید در مجلس بنشینید و در اینجا شب و روز گفت و شنود بکنید و اگر محققین ویرانه ریزانی هم دارید آنها بیایند اینجا حرفهایشان را با ما بزنند، یک کاسه بکنیم. وقت مملکت را تلف نکنید، شش ماه آنجا شش ماه تنقیح قوانین نخست وزیری، شش ماه وزارت کار، شش ماه حقوقدانان، آخر عمر کار هم بسر می آید و ما اندر خم یک کوچه باقی میمانیم ماند. این استدعای گروه کارگر است از جنابعالی. و خیلی هم معذرت می خواهم از تمام نمایندگان و از رئیس مجلس.

رئیس - آقای ملکشاهی بفرمائید
حسن ملکشاهی - بسم الله الرحمن الرحیم، سخن را بنام خدای بزرگ که جهان هستی از هستی اوست آغاز می نمایم و از او یاری می جویم تا این توفیق را بمن عنایت فرمایند که بتوانم مطالبی را در جهت خیر و صلاح

مملکت و ملت بیان نمایم - جناب آقای رئیس همکاران ارجمند خانم ها و آقایان همه ما و همه ملت شریف ایران آگاهیم که فشارهای نامعقول و اشیاعه انواع فساد در شئون مختلف مملکت وسیله دولتهای گذشته چه مصیبت هائی را بار آورده است. غارت بیت المال دیوان سالاری و بی توجهی به حقوق حقه مردم - نادیده گرفتن اصول اخلاقی و ارزشهای معنوی و عدم توجه به مقام روحانیت و نظم و بکشاورزی مملکت و بسیاری مسائل و ناهنجاریهای دیگر باعث عصیان مردم گردیده به نحویکه جهش و نهضتی ملی علیه فساد در کشور بوجود آمده که مورد تأیید هیرایانی اصیل و علاقمند بسر نوشت مملکت است جنبش وجهشی که فشار آن در مدت کمتر از شش ماه سه دولت را راهی مجلس شورای ملی نمود جنبشی که با الهام گرفتن از مبانی مقدس اسلام و اصول حق و حقیقت آغاز نموده و تار سیدن به نتیجه وقتهای نخواهد داشت دولت مردان گذشته با تجاوز به حقوق و ایجاد اختناق و ناراضی در بین مردم و برقراری روابط بجای ضوابط بعنوان مختلف آن چنان ملت را در فشار و تنگنا قرار دادند و آنچنان با آبرو و حیثیت آنان بازی کردند و با جوب قوانین خود ساخته چنان بفرق ملت شریف ایران کوبیدند و دست اندر کاران انجام گسیخته چنان در دستگاه اداری و اجتماعی فساد رونق دادند تا آنجائیکه مردم علیه همین عاملین فساد قیام نموده و تا مجازات و نابودی آنان از پای نخواهند نشست جناب آقای دکتر بختیار مگر دولتیان گذشته نبودند که سنگ مبارزه با فساد را بر سینه میزدند و مگر آنان نبودند که فریاد می کشیدند فاسدین را بدار مجازات بیاورید مگر فرمولهائی برای گرفتاری عاملین فساد نساختند پس چه شد فرمولهائی تئوری آنان و یا شاید بمنظور جلوگیری از طغیان مردم بوده که هرگز جامه عمل به خود ننوشتید مگر دولتهای گذشته نبودند آمدند در پشت همین تریبون مجلس وعده عدم تمرکز در دستگاههای خود را دادند آیا توانستند سیستم عدم تمرکز را در تهران یا حتی در یک استان بطور صحیح پیاده نمایند آیا توانستند از هجوم سرسام آور ساکنین استانها به پایتخت یا از شهرستانها به مراکز استانها و از روستاها به شهرها جلوگیری نمایند و آیا آنان بجای اینکه با بودجه هنگفتی که از فروش نفت مملکت در اختیار داشتند به جای حیف و میل و چپاول نمی توانستند کشاورزی ایران را رونق بخشند و از متلاشی شدن کشاورزی سنتی بجای مکانیزه کردن کشاورزی فقط در تئوری جامه عمل بپوشانند

من اگر بخواهم به این جنایات دولتی گذشته اشاره کنم بشنوی هفتاد من کاغذ شود. مگر ملت شریف ایران ۱۳ سال تمام بازیچه دست یک دولت خود کامه قرار نگرفت فشار ظلم و اختناق و رعب و وحشت در طول این مدت باندازه‌ای بوده که مردم حتی اختیار جان و مال خود را نداشتند و نقش این فشار و عوامفریبی در مراکز دانشگاهی به خوبی آشکار است و دست‌اندرکاران چنان با طراحی دقیق به خواسته خود جامه عمل پوشیده و چنان تشمت افکار بر سر اسرار دانشگاهی ما مستولی گردانیدند که منجر به فلج نمودن دستگاه عظیم تعلیم و تربیت از سطوح کودکستان تا سطح دانشگاهی گردید اگر برنامه صحیح به خصوص برای دانشجویان در مراکز علمی توسط استادان و برنامه‌ریزان طراحی میشد و بجای تئوری‌های نابجا و خالی از معنی عملاً دانشجویان مملکت ما را در جریان امر می‌گذاشتند و آنانرا از صحنه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی مملکت دور نمی‌داشتند و از دانشگاه محیطی متشنج به‌بار نمی‌آوردند و کاری می‌نمودند که دانشجویان دانشگاه را خانه خود تلقی نموده و بدان عشق ورزند آیا اکنون ناظر فلج شدن تعلیم علمی در سطوح مختلف بودیم: اگر دولتی‌ن گذشته مردانی را در مقابل ملت قرار میدادند که مظهر پاکی و تقوی و از خود گذشتگی بودند و از گزشتن حقایق هیچگونه وحشتی نداشتند و تهدید و ارباب و خشونت را سرلوحه کار خود قرار نمیدادند و بدانچه‌گفته عمل میکردند و مردم را در انتظار انجام وعده‌ها زجر کش نمی‌کردند آیا بدین سرنوشت شوم گرفتار میشدیم. تبعیض و نیرنگ و فقر و دانش اجتماعی مسئولین مملکت را به پرتگاه سقوط رسانیده و با ظواهر سازی و عوامفریبی بجای تمدن بزرگ از جهنی سوزان سربرون آورده‌ایم. بودجه عظیمی که از منبع فنا پذیر طلای سیاه در این مملکت بدست آمد صرف کدام برنامه عام‌المنفعه گردید

این همه اثری و نیروی انسانی که امروز دست از کار کشیده و در کوچه و خیابان بر علیه دولتی‌ن وقت به تظاهرات می‌پردازند و با اعتصابات خود مملکت را به حالت سقوط درآورده‌اند اگر پانزده سال پیش بان احترام گذاشته میشد و از آن به نحو صحیح بهره‌برداری میکردید و حق هر کس با معیاری درست در نظر گرفته میشد و با رشوه و پارتی بازی ضعفا را لگدمال نمیکردند نمی‌توانست سازنده ایرانی چشم‌گیر باشد و یا اگر بجای برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌های وارداتی و انحرافی که وقت گرانبهای ملت را بیهوده تلف می‌نمودند و به نمایش

در آوردن اندام برهنه زنان بعنوان تبلیغات سوء و کسب ثروت و همچنین عدم وجود برنامه‌های آموزشی و سازنده برای کودکان و نوجوانان فقط روزی یکساعت تعلیم عالیه اسلام بوسیله اسلام شناسان واقعی بخش میشد و مردم را بیشتر از آنچه که میدانستند به معتقدات مذهبی آگاه مینمودند و تعلیمات دینی و اسلام شناسی را و بویژه تفسیر کتاب مقدس آسمانی قرآن مجید را در برنامه‌های تلویزیون آموزشی گنجانیده میشد و فضای بازی برای تبلیغ واقعیات در این جعبه‌های صدا و تصویر برای علمای اهل فن در نظر گرفته میشد آیا بدین سرنوشت دچار میشدیم: و سائل ارتباطی این مملکت چنان انحصاری و دولتی و غیرمردمی شده بود و چنان تحت تأثیر عوامل مخرب قرار گرفته بود که جای هیچگونه بحث و شک و تردید و بدبینی مردم نسبت به آن وجود ندارد: بجای دروغهای رادیو تلویزیونی که از روستاهای میهن ما یک مدیر فاضل ساختند زندگی واقعی روستائیان غرب کشور و نبرد آنان برای حفظ و پاسداری از نوار مرز در تلویزیون به نمایش گذاشته میشد آیا بهتر نبود که بجای نمایشگاه عکس تحولات ایران در طول دوران حکومت ۱۳ ساله نمایشگاهی واقعی از زندگی مردم جنوب تهران و سایر نقاط مشابه آن به معرض نمایش گذاشته میشد.

همکاران ارجمند همه شما به اخلاق بنده واقف و آگاهید تا آنجائیکه خود احساس می‌کنم آدمی صبور و با حوصله هستم و پیوسته در دولتی‌ن گذشته بعنوان موافق صحبت نموده‌ام و با استفاده از اختیارات قانونی خود از برنامه آنان پشتیبانی نموده و سعیم در آن بوده تا در رسیدن بآنچه که میگویند در کنار آنان باشم و بعنوان حامی حقوق ملت ایران در بهبود بخشیدن اوضاع خود را سهم بدانم ناکفته نماند که موافقت من با دولتی‌ن اسبق دلیل بر عدم آگاهی من به مسائل مملکتی و فشار و تهدید و کشتار اخیر در مملکت نبوده است بلکه با بردباری تمام شکنجه‌های روحی و وجدانی را تحمل نموده و خود را بدین قانع می‌نمودم و به خود نوید میدادم تا شاید دولت تازه نفس بتواند روزنه امید بیابد و وویه نامردمی را از این مملکت برداشته و با مردم مردمی رفتار نماید و برای درمان این همه امراض مسری و غیرقابل علاج داروئی تجویز نماید تا شفا بخش دردها و مسکن همگانی باشد حال که می‌بینیم این داوطلبان حقیقت خواه و نام‌آوران به اصطلاح وطنی علاوه بر اینکه نمی‌توانند جواب‌گویی خواسته‌های ملت ایران باشند بلکه مملکت را به سقوط می‌کشاند لذا سخنانم بعنوان موافق برنامه دولت

نخواهد بود مخالفتم از این جهت است چون پیش‌بینی میشود دولت آقای بختار هم چون اسلاف خود نخواهد توانست مفید و مشرثر باشد.

جناب آقای دکتر بختیار آمار و ارقام سرسام‌آور و دروغین که مسئولین بخاطر حفظ مقام و پست ارائه میدادند و رسماً توسط دولتی‌ن وقت تأیید میشد نباید نادیده گرفت نمونه بارز آن در پیکار با بیسوادی برای همگان مشخص است ارقامی که توسط مسئولین این جهاد ملی و نهضت مقدس منتشر میشد تماماً خلاف واقع و برای کسب پاداش بیشتر بوده است جهاد مقدسی که باید در پیکار با جهل و نادانی دانش و آگاهی مردم بخصوص روستائیان بکار میرفت بصورت اعدادی غیر قابل تصور در لیست‌های کذابی برای کسب اعتبار بیشتر تنظیم و باطلاع همگان میرسیه و در یکسال تحصیلی با جمع‌بندی آمارهای همان سال مشاهده شد که تعداد دانش‌آموختگان کلاس‌های پیکار با بیسوادی بیش از جمعیت ایران در همان سال بوده است و ما باید این حقیقت را قبول نماییم و گریز از آن غیر ممکن است مجریان دستگاهها در سطح پائین نیز به مانند پیش‌کسوت‌های خود دروغ و نیرنگ را پیشه خود ساخته و برای این کارها به خود می‌بالیدند و هزینه‌های گزافی از بودجه مملکت بمنظور پیروزیهای آن چنانی در سالروز بزرگداشت در جشن‌ها حیف و میل می‌نمودند اما سرسام‌آور بیت‌المال چپاول شد، مردم توسط دست‌اندرکاران در سطوح مختلف و گسترش این برنامه‌های مسخ شده و با اصطلاح خودشان ایده‌آل مردم را بفریاد دعوت نمود بطوریکه به زمین و زمان بدین و ناسزا می‌گویند بلی باید اینگونه افراد مصادر امور را در دست داشته باشند تا بتوانند به چپاول و حیف و میل بیت‌المال ادامه دهند، بزرگترین مشکل مملکت ما ظاهر سازی و خود فریبی و رفع مسئولیت و گناه را به گردن دیگری نهادن است نامی گوئیم که از ایران یک‌سدمینه فاصله ساخته شود و همه معصوم و پاک باشند چون بالاخره بشر جایز الخطا است ولی آنچه مسلم است این است که بجای عیب جوئی از گذشتگان و خود را الگو جلوه دادن در طول ۲۰ سال آیا هیچکدام از مسئولین نتوانستند با قطع اعتدال گذشتگان سازنده ایرانی متری و ایده‌آل باشند صبر و طاقت هم اندازه و حدی دارد و ملت ایران سالیان دراز آنرا تحمل نمودند.

از کدام خدمات دولتی‌ن گذشته یاد نمایم از پرستیژ اداری آنان یا از نامه پراکنی و اتلاف وقت از باب

رجوع از رؤسای اداراتی که مجریان بی‌اراده و سرسپردگان پارتی‌های گردن کلفت در وزارتخانه‌ها سخن بگویم اینان با اشکال تراشی و ایجاد ناراضی چنان خشم کارمندان سطح پائین را فراهم آوردند که علم عصیان برافراشتند و دستگاههای اداری را بدین روز که ملاحظه میشود انداختند و با فلج نمودن دستگاهها اقتصاد مملکت را به ورطه ورشکستگی رسانیدند این مطالب بکرات توسط همکاران در جلسات علنی مجلس شورای ملی دوره بیست و چهارم قانونگذاری بازگو شده ولی یکدام یک از این گفتار مسئولین گوش فرا دادند و اگر گوش شنوایی بود مملکت کی بدین مصیبت گرفتار میشد عصیان مردم بر علیه اینگونه جنایات بوده که دولت ۱۳ ساله هویدا را به سرنگونی کشانید و آقای شریف امامی مأمور پیوند مجدد ملت با دولت گردید و دولت آشتی ملی را بعنوان مرحمی بر زخمهای عفونت‌کرده ملت اعلام نماید و با اعلام آزادی بیان و قلم و مطبوعات اولین قدم مثبت را بسوی ملت حساس برداشت غافل از آنکه ملت و دولت با مراجعه به جنایات گذشته هرگز در یک پوست نخواهند گنجد و فضای باز سیاسی که دولتی‌ن گذشته از آن دم می‌زدند در این مرحله نمودار گشت و مردم برای اولین بار با اجتماعات عظیم در کوی و برزن عدم رضایت خود را نسبت به اعمال دولتی‌ن اعلام نمودند و چون دانش و بینش سیاسی مردم از یک سو و انزجار آنان از جنایات دولت از سوی دیگر دست در دست هم آویخت و پی‌ریزی یک انقلاب عظیم ملی را آغاز نمود و نقش روحانیت در این مرحله بسیار سازنده و غیرقابل انکار است آیات عظامی که تاکنون بدست فراموشی سپرده شده بودند در صف اول این نهضت قرار گرفتند.

متأسفانه برنامه دولت آقای شریف امامی و کابینه آشتی ملی وی نیز نتوانست جوابگویی خواسته‌های قانونی ملت شریف ایران و اعاده حیثیت از دست‌رفته مردم گردد تا به ناچار استعفا خود را تقدیم و بر عدم توانائی خود در رفع مشکلات مملکت اقرار نمود سپس این فکر پیش آمد که با روی کار آمدن یک دولت نظامی میتوان این تشنجات و ناآرامی را بآرامش تبدیل نمود دیدیم که دولت نظامی ارتشبد از هاری که برنامه تقدیمی‌اش به مجلس شورای ملی بر دو پایه اعاده نظم و آرامش و تأمین ارزاق عمومی استوار نموده بود با تلاشی در حدود دو ماه متأسفانه نه در مورد برقراری نظم و نه تأمین ارزاق عمومی توفیقی بدست نیاورد و در میان باتش کشیده شدن تهران و شهرستانها سنگر را خالی نمود و حال توبت شماست جناب دکتر بختیار باید عرض کنم:

که، هردم از این باغ بری میرسد - تازه تراز تازه تری میرسد. شما هم به مانند دیگران خود را مرد میدان دانسته و سینهات را سپر بلا نموده اید و با متکی بودن به ایمان و سوابق خود برای مبارزه با تشیجات و بازگشت امنیت و برقراری عدل و عدالت مسئولیتی بس خطیر تقبل نموده اید با توجه به اینکه رؤسای دولت های سابق و اسبق هر کدام به هنگام معرفی کابینه کلیه وزرای مسئول آنها به مجلس شورای ملی معرفی و با توجه به اینکه کلیه دست اندرکاران وزارتخانه های مربوطه اعلام همکاری با وزرای مسئول نموده بودند نتوانستند توفیق داشته باشند و هویدا نشده ناپدید گردیدند شما که در ابتدای امر کابینهات با کمبود وزیر مواجه است و از طرفی مجریان برنامه وزارتخانه ها اعلام عدم همکاری با وزرای کابینه شما نموده اند مضافاً اینکه شما بی بنا بگفته خود هم سنگر رهبران طریقت جبهه ملی هستید و اکنون از پشتیبانی این جبهه برخوردار نیماشید هم چنین هیچگونه پایگاهی در بین ملت ایران ندارید و از طرفی مورد تأیید علمای اعلام و آیات عظام نیستید چگونه و با کدام هزینه برا خواهید توانست ملت ایران را راهنا و با تیشه عدل ریشه ظلم برافکنی و بر تشیجات داخلی ایران خاتمه دهید آقای بختیار ملتی که از سرکارها تا پاسی از شب در صفوف طولی برای تهیه ارزاق عمومی وقت خود را صرف می نماید و احتمالاً از دست آوردن آن نیز محروم میشود چگونه میتواند به سخنان شورانگیز شما دل خوش نماید و با وعده و وعید خود را پیش از این بفریبد مگر دولت های قبل از شما در این ساحت مقدس داد سخن ندادند و برنامه های مفصل خود را در این مکان قرائت نمودند مگر فرصت کافی برای باجرا در آوردن برنامه دولت با آنان داده نشد پس چرا عاجز ماندند و چرا اختناق را در ایران دوچندان نمودند ملت ایران با دادن وقت کافی به دو کابینه قبلی ثابت نمودند که با دست گیر کردن چند نفر از مسیین جنایات گذشته و سپردن آنان به زندان آن چنانی دزد مردم در میان پذیر نیست آیا با ابراز تنفر و انزجار نسبت به اعمال گذشته وعده به دار آویختن مجرمین ، سرطانی را که در گوشه و کنار مملکت ریشه دوانیده است بشود در میان نمود آنهم مجرمینی که در نشریات اظهار بی گناهی نموده و خود را معصوم و ببرا از گناه میدانند - آقای بختیار به نظر من کسی که تیغ را به دست گرفته اشتباه کرده وقتی که بر بسند صدارت تکیه کند مسلماً عاری از اشتباه نخواهد بود مگر شما در مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی خود قبل از اعلام نظر تمایل مجلسین و دریافت فرمان نخست وزیری که این خود بخشی است جداگانه اظهار نداشتید که با تماس حاصله با جامعه روحانیت و علمای اعلام با نظر مساعد دولت را تأیید خواهند نمود اگر شما مورد حمایت این طبقه بودید پس چگونه سبل اعلامیه و بیانیه بر علیه شما از طرف علمای اعلام سرازیر شد ای بسن طبقه نه تنها دولت شما را تأیید نمودند بلکه با تشکیل اجتماعات و تظاهرات علناً در مقام تضعیف دولت شما بر آمدند و همین طریق هم سنگر انتم با مخالفت علنی ورد دولت شما از عضویت جبهه ملی اخراج نمودند با توجه به سروری که بر روی برنامه تقدیمی دولت شما به مجلس شورای ملی نموده به نظر اینجانب جز چند مورد بقیه آنچه از برنامه های دولت های قبل نباشد روی این اصل نمی توان برای توفیق دولت شما در این لحظات حساس و سرنوشت ساز امیدی داشت لذا با دادن رأی کبیود مخالفتم را با برنامه دولت

شما اعلام میدارم .

تا چه قبول افتد وجه در نظر آید

رئیس - آقای دکتر صدیق اسفندیاری بفرماید .

دکتر صدیق اسفندیاری - جناب آقای رئیس همکاران عزیزم ،

خدا را سوگند یاد میکنم که در این لحظه حساس و تاریخی و سرنوشت ساز برای استقلال ایران عزیز وطنمان در این لحظه ای که پارلمان ایران پس از سالها مثل تمام ارگانهای این مملکت که زیر سلطه سانسور و خفتان و اختناق قرون وسطائی ساواک و دژ خمیان سازمان باصطلاح امنیت کشور در پایگاه اصلی خودش قرار داشت در این لحظه حساس بتوانیم همه ما بنام نمایندگان ملت ایران رسالت تاریخی خود را بر اساس منشور قانون اساسی که خوبیهای آزاد مردان این مملکت است ایفا کنیم (آفرین) دوستان اکثریت و دوستان اقلیت و منفردین که همه این افتخار باید نصیب ما بشود که در راه سازندگی ایران آباد و آزادتر از هر روز ، گام برداریم بیاییم در پیشگاه مقدس ملت ایران از این پایگاه وحدت ملی سوگند یاد کنیم که اختلاف سلیقه های فردی و سیاسی را کنار بگذاریم . به یک چیز بیاندیشیم ، آن استقلال ایران است زیرا اول وطن مطرح است بعد مجلس ، اول کشور مطرح است بعد من نماینده یاشما می نمایم . اول کشور مطرح است بعد ایرانیان عزیز و همین پرستی که در آن کشور باید سرفراز زندگی کنند . بنابراین ما طی سالیان گذشته ، ۳ سال و اندی که در خدمت شما بوده ایم با هر سلیقه ای که داشته ایم در جای خود محترم بود ، امروز باید این پایگاه ملی و وطنی به ایران عزیز و آینده ای که دشمنان ایران در کمین خرد کردن و ستلاشی کردن استقلال ما هستند بیاندیشیم اینجا مسئله مسئله فرد ، مسئله دولت و دولت ها ، مسئله وزیر و وزرا مسئله من و شما مطرح نیست . حتی پلاتری از من و شما هم مطرح نیست این جا روزگشت و ابشار است روزگشتی است برای عظمت و سربلندی ایران عزیز در خانواده بزرگ جهانی (احسنست) . جناب نخست وزیر شما قبل از نخست وزیری تان در یک پیام رادیویی بسیار ارزنده و جالب ضمن تحلیل از حکومت ملی دکتر محمد مصدق ، آن قهرمان ملی ایران زمین ، مسئله ۲۸ مرداد را ، کودتای ۲۸ مرداد بر علیه حکومت ملی دکتر مصدق اعلام کردید به حکومت ۲۰ ساله گذشته ، بخصوص دو دهه اخیر بعنوان میالهای نکت بار ایران ذکر کردید . شما در هنگام مصاحبه در ۲۰ دسامبر با روزنامه آلمانی اسپیکل مطالبی در مورد مواضع ملی ایران و نقش رهبری ایران و سلطنت ایران ایراد فرمودید . شما بعنوان عنصر وفادار به جبهه ملی ایران و با همزمانتان که ۳۰ سال در این جبهه صمیمانه خدمت کردید و حاضر نشدید حتی یکروز از امکاناتی که برای همه افراد این مملکت در ظرف این ۳۰ سال فراهم بود هیچ پست و شغل دولتی را قبول نکنید . شما خود را وفادار و پا بنلا به اصول و به عقاید فقه ناپذیر جبهه ملی ایران اعلام فرمودید . برای من جای تعجب است کاندیدای نخست وزیری با اعلام چنین برنامه هایی از پیش از ابراز تمایل مجلس صدور فرمان چرا دوستان همزمتان که جز اعتقاد شما بنایه گفته خودتان اعتقاد و برنامه دیگر نداشتند و مسلماً ندارند ، در کنار شما قرار نگرفتند تا امروز با یاران و همزمان قدیم تان با شناخت بیشتری که از روحیه انقلابی و اجتماعی هم داشتید وارد این میدان پر مهلکه و پر دردمر شوید .

جلالین - مزد میدان نبودند .

دکتر صدیق اسفندیاری - حل این مسائل لااقل برای من که از نظر سواد سیاسی بعنوان یک پزشک در سطح باثباتی قرار دارم مشکل است و استدعا میکنم در تجزیه و تحلیل این مطالبی که عرض

کردم لااقل بنده و سایر دوستان مجلسی ام را در جریان بگذارید (صحیح است) **جلالین** - برای ما روشن است مرد میدان نبودند .

دکتر صدیق اسفندیاری - روزی که هیئت رئیسه دو مجلس برای

اصعای فرمایشات اعلیحضرت شرفیاب بودند و شاهنشاه به هیات رئیسه مجلس شورای ملی طبق نظری که در جاسه بعدی جناب رئیس فرمودند معظم له گویا اظهار فرموده بودند که دکتر شاپور بختیار اظهار داشتند که من می توانم بعنوان نخست وزیر در این مقطع از حیات سیاسی کشورمان که از حساسیت خاصی برخوردار است وارد میدان بشوم و پیشنهاد می کنم که اینکار این مسئله بحث دکتر شاپور بختیار را در مجلس شورای ملی در جلسه خصوصی عنوان کنیم . **رئیس** - بنده چنین چیزی را عرض نکردم و اگر از قول بنده بفرمائید ، بنده عرض نکردم .

دکتر صدیق اسفندیاری - من والله از قول شما اینطور شنیده بودم جناب رئیس مجلس ، که حتی ما از شمسؤال کردیم که در موقع شرفیابی

رئیس - بنده عرض کردم که آقای شاپور بختیار وقتی نخست وزیری را قبول خواهند کرد که مجلسین رأی ، تمایل داد ، باشند .

دکتر صدیق اسفندیاری - پس بهمین ترتیب که جناب رئیس اصلاح فرمودند مجلس شورای ملی با پیام قبلی رادیویی شما به شما ابراز تمایل کرد و شما با اخذ فرمان نخست وزیری دولت خودتان را به مجلس شورای ملی معرفی کردید . جناب نخست وزیر مطالبی که سایر همکارانم عنوان فرمودند ، فرمودید که دولت شما نتیجه مسلم انقلاب عظیم اجتماعی ملت ایران بخصوص در ۲ سال اخیر است . ملت ایران اگر بیاخواست ملت ایران اگر سالها در آتشفراز اختناق و فشار ، قلدردی ، زور و استبداد جان می کند و نمیتوانست عرض اندام بکند ، ملت ایران اگر با رهبری پیشوایان مذهبی در ابتدای قیام ملی حرکت سیاسی اش را شروع کرد ولی در حال حاضر آن چنان نیرومندی انقلاب ملت ایران پیدا کرده است که رهبران مذهبی و سیاسی را بدنبال خودش میکشد . انقلاب ملت ایران در بطن خانواده ها و اجتماع ایرانی نفوذ کرده است . قدرت معنوی انقلاب ایران را شما در روز عید فطر در خیابانها و تاسوعا و عاشورا و همین دیروز در بازگشایی دانشگاه ملاحظه فرمودید که متجاوز از ۴۰۰ هزار نفر مردم ایران برای تیریکه و شرکت در مراسم بازگشایی مغز ملت ایران یعنی دانشگاه حضور بهم رسانیدند که به دانشجویان و اساتید عزیز تیریکه بگویند و ملاحظه کردید که نه از اسامیرین انتظامی خبر بود و نه از ارتش ، و نه شیشه ای شکسته شد و نه چیزی و نه بانکی به آتش کشیده شد . این یعنی رشد سیاسی و رشد فکری و عظمت روح انقلاب ملت ایران که با کمال تألیف هنوز عوامل و ایادی استعمار و نوکران اجنبی نمی میکنند که به این انقلاب مذهبی و سیاسی و ملی هم رنگهای کمونیستی ، مارکسیستی ، مارکسیست اسلامی ، فریب خورده ها و گول خورده ها بزنند . جناب نخست وزیر این نیروی عظیم ملی - این نیروی خلاقه میتواند نگهبان وحدت ملی ایران زمین باشد . نه آنهایی که حقوق شرعی و عرفی همه چیز این ملت را خورند و بزدند و برباد دادند حتی رحم به شرف و ناموس ملی و شرف ملی فرود نکردند . جناب نخست وزیر در مصاحبه ای که با خبرنگاران فرانسوی داشتید مطالبی را ایراد فرمودید ، بنده گله ای به عنوان

نماینده مجلس شورای ملی از شما که قبل از گرفتن فرمان نخست وزیری ابراز تمایل و نظر شورتی مجلس را حرمت گذاشتید دارم ، گله ای که بنده دارم این است که شما در جواب یکی از سخنرین فرموده بودید مجلسی که به تمام دولتها غیر ملی رأی اعتماد داد چگونه به من رأی اعتماد نخواهد داد ، مسلماً شما با برنامه های انقلابی که ارائه کردید انشاء الله مجلس شورای ملی هم به شما رأی اعتماد خواهد داد ولی این گله را هم ما داریم و با لاف بله دارم که عرض کردم جناب نخست وزیر اتساف سیاسی مملکت در دوده آخر آن چنان بود . نه مجلس نه رکن چهارم مشروطیت که امروز آزادانه همه چیز می نویسند ، می مذاکرات مجلس را اجازه نداشتند در روزنامه ها درج کنند چندین بار از پشت همین تریبون اعلام کردیم که آقا شما راجع به حمله شدن فلان آرتیست ، شما راجع به رتبه صیدن یک شومن دو صفحه از روزنامه را که برای تنویر افکار عمومی باید مصرف بشود به هدر میدید ولی مذاکرات مجلس شورای ملی که مذاکراتی است که نمایندگان ملت در طریق خواست مردم به دولت ها ارائه میدهند و بیان می کنند چرا این ها را منتشر و منعکس نمی کنید؟ حتی نظرم هست سال اول مجلس در روزنامه ها فقط می نوشتند که نماینده پنجم شیراز ویا نماینده هفتم تهران چنین گفت ... (یکی از نمایندگان - البته آن هم دوخط) اصولاً جناب نخست وزیر سیستم حکومتی که بر سی و پنج میلیون ایرانی دچار حقتان حکومت میکرد جز این نمیتوانست باشد .

نمایندگان چه گناهی داشتند ؟ امروز صمیمانه باید اینجا بگویم که در این مملکت همه گناه کردند همه تصور کردند ، دولت ها ، هیئت حاکمه ، مجلسین ، روزنامه ها ، جامعه روحانیت ، آموزش و پرورش ، تمام دولت ها ، چطور همه مردم و همه جوامع مترقی سا ظرف یکی دو سال و ششماه به حرکت افتادند ، پس همه ما مقصر بودیم ، پس باید برادرانه بیاییم و در پیشگاه ملت ایران بگوئیم بدین دلیل و به این علل کار درست انجام نشد ، و اگر کار درست نشد علتش این و این بوده است . و در یک اجتماع همه حر ربابی و امام حسین نمی توانند باشند ولی ما عده ای را داشتیم که هر ریاضی شدند و به زندان های نصیری ها و تاتی ها افتادند ، ناخن هایشان را کشیدند و داغشان هم کردند ، ولی این ها در هر اجتماعی انگشت شمارند ، و امروز جناب نخست وزیر این آزادی که بست آوردیم و حتی این آزادی که من نماینده بست آورده ام و صریحاً میتوانم هر دم را بزنگار از سر تصدق دولت نیست هیچکس این آزادی را به ملت ایران صدقه نداد جز جانبازان راه آزادی یعنی آنهایی که در زندان های اوین ، شیراز ، و زندان های شناخته شده و شناخته نشده سازمان امنیت نصیری های جلا و تاتی های جلا سلاخی شدند این آزادی را از آن واد مردان و آزاد زنان از آن روحانیان از آن آیات عظام داریم ، یشرمانه دختر یک آیت الله را جلوی چشم آیت الله لخت میکردند ، این درد مملکت است ، انقلاب مملکت از این جا نشأت می گیرد و شروع میشود . مردم بیا تخاصم اند برای کمبود نفت و نان آرد و گندم و بنزین ، مردم برای کمبود حقوقشان حرکت نکردند ، این حرکت سیاسی معلول این گرفتاریهای چند ساله ای است که در این دو دهه اخیر نصیب ملت ایران شده است (صحیح است - آفرین) .

اجاق - کاغذها را از صندوق پست در می آورند و سانسور میکنند ! **دکتر صدیق اسفندیاری** - آقایان نظرتان هست که چقدر

دوستان ما مثل آقای دکتر ستاری و آقای رفعی راجع به کشاورزی صحبت کردند؟ من از پشت این تریبون بنام یک پزشک به وزیر بهداری وقت که اگر آن حرف‌ها را گوش می‌کرد در گوشه زندان نمی‌ماند که بقول ارتشید ازهای الان دارم حفظشان می‌کنند. انشاءالله دولت شما بتواند آن را از حفظ در آورد، البته خودشان فرمودند که ما از آن‌ها نگهداری می‌کنیم، من در این جا به عنوان یک پزشک ۴۰ ساله در وزارت بهداری و از کوره دهات این مملکت شروع کردم به عنوان یک کارشناس مطالب را مجاناً در اختیار وزیر می‌گذاشتم چغلی ما را می‌کردند برفتند خطونشان میکشیدند تلفن‌ها می‌کردند، اعتراضها می‌کردند و همه این‌ها سائل می‌بود که از پشت این تریبون گفتیم اگر می‌گفتیم که کشاورزی خراب است می‌گفتند فرمان شاهنشاه است آقایان روزی هفت میلیون تومان برای این چه به عنوان تغذیه رایگان می‌دهید؟ در حالیکه بچه‌ها این شیرها را به بیرون پرت می‌کنند و با برتقال‌ها توپ بازی می‌کنند و بیسکویت‌ها می‌کنند به شما راهم نمی‌خورند. در حالیکه سقف این مدرسه‌ها حدود دسالت است که چکه می‌کند می‌گویند بودجه نداریم و با کلاس‌های این مدارس بخاری ندارد می‌گویند بودجه نداریم ولی در همین مدرسه تغذیه رایگان داده نشود، این فرمان است، درست که این فرمان است ولی فرمان خدا که نیست، شاه خودش بارها گفته است و تکرار بیان کرده است که فراموشی که صادر می‌کنیم اگر اشکالی دارد به من بگویند. هر چه می‌گفتیم، می‌گفتند منویات ملوکانه است و وزیر پوشش شاه منویات ملوکانه کردند هر کاری را که خواستند بکنند و هر کار که نباید بکنند کردند، و بلائی به سر مردم آوردند که امروز به موضع شاه، نه موضع مملکت، نه موضع روحانیت، نه موضع سی‌وشش میلیون آدم هرچکدام روشن نیست (احسن) شیرازه مملکت کاملاً بهم ریخته شده است، هیچ قدرتی نمی‌تواند این را جمع کند.

دکتر صدیق اسفندیاری - آقای دکتر بختیار مگر شما معجزه بکنید! (آقرین - احسن) به این دلیل است. جناب نخست وزیر که من گله کردم، در این فضای بازی که امروز از تصدق سران جوانانی که در زیر شکنجه جان باختند ما مجلسیان هم ولو یکی دو ماه هم که شده می‌خواهیم به رسالت تاریخی‌مان عمل کنیم. من مثل آن دوست عزیزم که مرمت می‌گذارم به او مورد دانشمندی است، ولی اکثرآ به علت کسالت سه سال اخیر در پاریس بوده، امروز که تهمت زدن باب روز است ایشان هم ما را بگوید، اشکالی ندارد ولی کسی که با پله پورت و کالت مجلس شورای ملی ویا کسب حقوق و مزایای مجلس در خارج از ایران است. (نمایندگان خواهش میکنند اسم ایشان را بفرمائید.) اول این شهادت راداشته باشد استعفا بکند، نه این که استعفا بکنند و پس بگیرد، مردانه استعفا پیش را بدهد. و بگوید من در این مجلس نمی‌توانم کار کنم، مثلاً بگوید تبریزی‌ها از عزیز که بمن رأی دادند. یا شمیرانی‌ها یا تهرانی‌ها عزیز من نمی‌توانم این‌جا کار بکنم.

یکی از نمایندگان - منظورتان چیست؟ اسم ببرید.

دکتر صدیق اسفندیاری - من دیگر نمی‌توانم وکیل شما باشم، آنوقت می‌شوم یک فرد مظاهر، تظاهرات هم می‌کنم، مجلس را

هم می‌گویم، و در آن‌جا در رادیو و تلویزیون شوهر اجرا می‌کنم این‌ها مطالبی است که مردم ایران، ملت ایران را به جیش و امیدارد، جناب آقای نخست‌وزیر مردم ایران بسیار روشن‌و آگاه هستند.

یکی از نمایندگان - آقای دکتر اسفندیاری! منظورتان چه کسی است؟

دکتر صدیق اسفندیاری - ما قسمت اعظم و قیمان صرف این میشود که با روستائیان بگذرانیم، آنقدر مردم بخصوص روستائیان روشن هستند که فکر میکنم از نظر سواد و شعور سیاسی از من طبیب خیلی بهتر فکر می‌کنند.

فرهنگ - شهادت شما قابل تحسین است.

دکتر صدیق اسفندیاری - آنقدر مسائل ملی و سیاسی و مملکتی و مذهبی را خوب درک می‌کنند که حد ندارد. جناب نخست‌وزیر به این طبقه و گروه مملکت، خیلی ظلم شده ولی این ملت با شرف گذشت کرد و با گذشت خود هنوز هم امیدوار است و با انقلاب اجتماعی که کرد این نوید را به همه ایرانیان بی تفاوت داد، به تمام کسانی که خواب طلائی برای تجزیه ایران زمین، برای خاک مقدس ما که برای هرجویش جانمان را می‌گذاریم. آنها باید آرزویشان را به گور ببرند. برای اینکه مردم ایران چه روستائی و چه شهری، اگر در درون خود مشکلات و اشکالات زیادی هم داشته باشیم می‌نشیم حل می‌کنیم، بحث وجدل می‌کنیم، مناظره می‌کنیم. من نماینده از شما سؤال می‌کنم حتی در موقع خودش استیضاح می‌کنیم و دولت دیگر سرکار می‌آید ولی آن چیزی که در حاصل وجع برای همه ما می‌ماند وطن ماست (آقرین) و این را همه مردم پشت به پشت هم می‌دهند و اجازه تجاوز خارجی را بهیچ وجه به هیچکس نمی‌دهند. تاریخ ایران زمین نشان داد آنجا که ایرانی احساس خطر کند، از نقطه نظر اینکه موجودیت و هیبت خودش را، استقلال خودش را، در خطر ببیند موافق و مخالف، اقلیت و اکثریت، زن و مرد، روستائی و شهری قد بلند و قد کوتاه، همه و همه دست بدست هم می‌دهند و تحت لوای اسلام و پرچم مقدس ایران زمین نخواهند گذاشت خارجی در ایران رخنه کند. چرا یک روز فقط خارجی می‌تواند در اینجا رخنه کند - جناب نوری اسفندیاری روزنامه‌تان را در منزل بخوانید - آن روز روزی است که از روی جنازه ۳۶ میلیون ایرانی با شرف حرکت کنند و بگذرند. در آن روز فقط می‌تواند خواب این را ببینند که ایران زمین را اشغال کنند. مگر ایرانی اجازه تجاوز می‌دهد ما نخواهیم گذاشت و از وجب به وجب خاک خودمان حفاظت و حراست می‌کنیم. اینجا مسئله شخص و فرد مطرح نیست، سه ساله دولت‌ها مطرح نیست، سئاله حاکمیت ملی مطرح است و لا غیر. جناب نخست‌وزیر! اگر دستگاه حاکم جبار، اگر هیات‌های حاکمه منفور می‌خواستند، که متأسفانه نخواهند، مجلس در پایگاه اصلی خودش مانند سایر ارگانها ایفای وظیفه کند، اگر اطرافیان خائن شاه می‌گذاشتند که شاه بر اساس قانون اساسی سلطنت کند نه حکومت، امروز موضع مملکت ما و موضع شاه مشروطه ما، موضع مجلس ملی ما و موضع ۳۶ میلیون ایرانی معلوم بود و هیچ نگرانی وجود نداشت. امید اینست که ما تحت لوای قانون اساسی به چنین منطقی برسیم که هر کس در موضع خودش رسالت خود را ایفا کند و هیچکس سلطنت خودش را به دیگری محول نکند قانون اساسی صراحت دارد، دولت‌ها در برابر مجلسین مسئولیت دارند و مسئول اعمال خودشان اند و پادشاه مقامی است سیرا از تمام

مسئولیت‌ها، ولی خیانتکاران و حقه‌پازان و نوکران اجنبی آنچنان او را احاطه کرد که حتی من نماینده و شمای نماینده دوازده چهارده ساله فکر نمیکنم این فرصت و رخصت را میداشتم که ده دقیقه با پادشاه ایران روزه رو صحبت کنید. حتی من نماینده سه بار از این پایگاه ملی، چون قسم خوردم می‌گویم، تقاضای ملاقات با پادشاه کردم که بروم پیش ایشان و با نماینده‌هایی که در دروان مجلس خود ما بود، چون حتی مجلس را هم آلت بی‌اراده دولت‌ها کرده بودند، همه با نماینده‌ها را بازگو کنم ولی اجازه داده نشد. آنها نه تنها مجلس را بلکه قوه قضائیه را هم خرد کردند و جای قوه قضائیه و استقلال توه قضائیه، با زرسی شاهنشاهی، کمیسیون شاهنشاهی، با زرسی ویژه، با زرسی نخست‌وزیری و با زرسی در با زرسی ایجاد کردند ولی نتیجه صفر بود. در تمام این مدت بودجه‌ها صرف شد ولی در درون این با زرسی‌ها یک نفر دزد ملی! یک نفر دزد حرفه‌ای سر بلند کرد و پولها را غارت کرد و الان در خارج از ایران با پولهای مردم ایران به من و شما می‌بخندند. اما اینجا مردم در صاف سه کیلومتری نفت ساعت‌ها انتظار میکشند، و این در حالی است که این آقایان در خارج در کارنوها مشغول قمار و خوشگذرانی هستند!! با مالیاتهایی که از مردم گرفتند و بیخارج از کشور بردند به این ملت خوش باور ریختند زندق! شما جناب نخست‌وزیر وارث چنین نکتها هستید. سرنوشت مملکت ما در پای میز قمارها، در پای منقل‌ها، شما این حقیقت را بهتر از من میدانید، در پارتی‌های آنچنانی که یک عصا را چهار صد هزار تومان می‌خریدند و یک گردن بند را چندین برابر خرید و فروش میکردند و فرای آن شب از بانکها ششصد میلیون تومان پول میگرفتند. آنوقت من و شمای نماینده، آن معلم با شرف، آن قاضی زحمتکش اگر پنجاه هزار تومان از یک بانکی قرض میخواست به دهجا باید متوسل میشد و با بهره صدی دوازده آنهم با فروش قالی و فرش و وسایل خانه اش میتوانست آنرا بگیرد اینها سائلی است که در این مملکت گذشته است و ملت ایران بحال عصیان و طغیان درآمده است. حالا باید به مردم حق بدهیم که باور نکنند، هیچ چیز هیچکس را باور نکنند، حتی بختیارها هم که می‌سال در گوشه زندانها و در منزل بطور تبعید بسر بردند، باور نکنند. و اگر شخصی شما را باور داشته باشد ولی برنامه‌تان را عملی نمی‌بینند چون می‌ترسند و حق دارند برترند آنقدر به این مردم دروغ گفتند و تنها حرف زدند و عمل نکردند که دیگر باور را از مردم گرفتند اینست که اگر شما نمی‌پیوندند و اعلام همبستگی نمیکنند وحشت دارند، باورشان نمیشود که یکی پیدا شود و بخواهد واقعا کاری برایشان انجام دهد. شما بیاید مردانه قد علم کنید. کارهایی بکنید که مردم واقعا یک بار هم شده باور کنند. شما در گزارش خودتان از خالی بودن صندوق بیت‌المال صحبت کردید. چطور شد تا چند سال پیش ادعای دولت‌های روز این بود که ما جزو ممالک قرض دهنده هستیم ولی امروز با کمال تألف می‌شویم که حتی برای حقوق این ماه کارمندان هم شاید در ناراحتی باشید و مجبور شوید مرتب کاغذ چاپ کنید. مرتب اسکناس چاپ کنید! کجا رفت آن پولها؟ آن کارمندان با شرف بانک مرکزی که لیست دادند خیلی‌ها هم سعی کردند به توافقی مخلط از زیر بار این لیست شانه خالی کنند و بگویند ما پولی خارج نگردیم ولی موفق نشدند و حتی جناب نخست‌وزیر! شنیدم که دادستان قبلی شاید علت بر کنارش این بود که

داشت در اینکار دقت و سرعتی بفرج میداد تا ساسی راهرچه زودتر منتشر کند اما دولت از هاری مانع شد. من این موضوع را شنیدم، انشاءالله صحیح نباشد. ولی بهر تقدیر پول این سات از ممالک خارج شد شما آیا از نظر قوانین بین‌المللی نمی‌توانید این افرادی که باجماندانها بی‌ارادگی به کشورهای دیگر رفتند و الان در ممالک اروپائی و آمریکائی بسر می‌برند، به کشور برگردانید؟ و این سربازانی که سینه دانشجوین ما و ملت ما را که عصیان کرده و تظاهرات می‌کنند یا گلوله‌بیشکافند این گلوله‌ها را در سینه و مغز این عده خالی کنند جناب نخست‌وزیر اینها را به مملکت بازگردانید و اگر از بیت‌المال مردم برده‌اند پس بگیرد. غلی علیه‌السلام در ابتدای خلافتش در آن خطبه «شق شقیه» وقتی که حکومت نکبت بار عثمانی موجبات عصیان مردم و درهم باشی‌دگی اوضاع و ملت مسلمان را فراهم آورد سران عرب وقتی با علی علیه‌السلام بیعت کردند علی جانم بفدایش! این مطلب را فرمود. سران عرب طلحه و زبیر و کسان دیگر من اگر فردا پشت سبز خلافت قرار گرفتیم پولی که از بیت‌المال ملت مردم سلبان حتی اگر به کابین زنان و دختران برده باشد بخرام گردانند. شما جناب نخست‌وزیر: علی و ارفشار کنید بجای اینکه بگوئید من به اسلام و آیات عظام احترام می‌گذارم بیاید و عمل نشان دهید بطوریکه ملت ایران تابع علی وحسین است. چونکه در برنامه‌تان از انحلال ساواک فرمودید ولی باز من می‌ترسم از قول همشهریان عرض می‌کنم که خدای نکرده ساواک منحل شود ولی چند سال دیگر تحت پوشش و نام دیگری باز یک چنین سازمانی بوجود بیاید. در طریق آزار و شکنجه مردم من اولاً از جنابعالی میخواهم که این سازمان باصطلاح امنیت صدهزار نفر کارمند شاغل و حقوق بگیر و افتخاری و باج بگیر داشته که مزاحم مردم میشوند چون میگویند این ساواک بوده و چقدر بودجه صرف خارج از ایران میشد برای آرزودن عزیزان ما که دارند درس میخوانند. ما سورین امنیتی در کشورهای اروپائی مزاحم بچه‌های ما که مشغول تحصیل هستند میشدند و میگویند چرا اظهار نظر سیاسی می‌کنند. آخر آدم بکجا متوسل شود. دانشجو اگر اظهار نظر سیاسی نکنند پس چه کسی بکند اینها باید معلوم شود باید صریح به ملت ایران اعلام فرمایند ساواک منحل شد. این کارمندان برای امنیت خارجی این کارمندان اینطور بودند، بیروشان کنند و تقاضای که ملت ایران دارد اینست که ما سورینی که با پول این مردم می‌رفتند دوره کلاسهای تخصصی شکنجه را در اسرائیل یا جاهای دیگر یاد می‌گرفتند. ملت ایران میگوید و میخواهد بیهان طریقی که ما سورین شکنجه ساواک جوانان ما، دختران، زنان، دانشجویان، عزیزان، اساتید و جامعه ما را زجر و شکنجه داد با همان ابزار مدرن باید شکنجه ببینند از این طریق عقده مردم را باز کنید نه اینکه آقای نصیری در آنجا و ثابتی در ژنو کاشفی - این عمل درست نیست.

دکتر صدیق اسفندیاری - ولیکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب، جناب نخست‌وزیر مجازات و قصاص باید کرد. در مورد اعاده حیثیت زندانیان سیاسی دوستان فرمودند و در مورد دادن پول. جناب نخست‌وزیر زندانیان سیاسی از چنان موضع والا و عالی درین ملت ایران برخوردارند که احتیاج ندارند دولت برایشان اعاده حیثیت بکند حیثیت آنها را مردم اعاده کردند و خانمی که دو بچه‌اش را در این ماجرا از دست داد عده‌ای از دوستان برای تسلیت رفتند با روی بازگفت تسلیت بمن نگویید تبریک بگوئید که جوانان من، دو بچه من این لیاقت را داشتند که در راه عظمت و انقلاب عظیم ایران تحت رهبری پیشوایان مذهبی شهید شوند چه خوب بود

که من فرزند دیگری داشتم و در راه وطن می‌دادم. ما در این اجتماع زنان زینب صفت داریم. جناب نخست‌وزیر سالها قبل من شنیده دولتهای بدسگال برای ساختن شهرک به لندن و پاریس، همه جا، شرق و غرب قد بلند و قد کوتاه، ما پول دادیم میلیاردها پول ما را بردند و فقط سر میز شام می‌خندیدند و حرف می‌زدند و پول نفت ما را بردند. قرص الحسته بود برگردانید. باج بود برگردانید کجا رفت این پولها و بعد سر میز شام شراب می‌خوردند و می‌گفتند این مملکت شما جزو پنج کشور بزرگ جهانی میشود. این پولها باید برگردد. صندوقتان خالی است. جناب نخست‌وزیر مسئله‌ای که مردم ایران و نمایندگان بی‌صبرانه علاقمندند بدانند و امروز هم یکی از همکاران عنوان کردند مسئله نفت است من می‌ترسم که شما و ما درگیر و دار این مسائل باشیم و قرار داد نفت در اطاقهای در بسته، بسته شود و باز ۲۰ یا ۳۰ و ۴۰ سال حال حق و حقوق ما را کنسرسیوم و یا دولتهای خارجی ببرند اگر مجلس قبلی چنین اختیاری بدولت ما داده است این مجلس و همکاران همه موافقت دارند، هر نوع قرار دادی را قبل از اینکه ملت ایران و نمایندگانش بدانند و مستحضر باشند هر دولتی و هر مرجعی در باره نفت با بیگانگان ببندد از نظر نمایندگان مجلس و ملت ایران سردود است. (صحیح است) جناب نخست‌وزیر من مطالب دیگری داشتم چون جناب رئیس امر فرمودند و بمن محبت کردند و چند دقیقه بیشتر صحبت کردم. تذکری را یکی از دوستان دادند راجع به حکومت عثمان شاید ما همکاران اهل تسنن داشته باشیم شیعه و سنی یکی هستند فرق نمی‌کند اسلام، اسلام است (یکی از نمایندگان همه ما مسلمانیست).
یک خواهش از ارباب جراید و دوستان خودم داشتم و آن این بود که سعی فرمائید حالا که شهدای ملت ایران یک فضای باز سیاسی بماداده اند و

دولت هم حامی این فضای باز سیاسی است این روزنامه هائیکه نمایانم هر چند سال یکبار در می‌آیند می‌فرمایند همبستگی مان حفظ شود، درست است که فضای باز سیاسی است ولی حقایق هست بنام رکن چهارم مشروطیت، بگذارید ارج و مقام و منزلت جامعه مطبوعات حفظ شود، وقتی شما در اعتصاب بودید حتی گروه ما از دولت اذکاری در مورد شما سؤال کرده است همه علاقمند بشما هستیم و اگر جامعه شما در نقش و موضع خودش باشد از من وکیل بیشتر خدمتگزار می‌باشد امیدواریم رسالت خود را طبق قانون اساسی انجام دهید.

رئیس - قبل از ختم جلسه بنده خواستم دو موضوع را یادآوری کنم یکی راجع به همین مسئله که مجلس شورای ملی همیشه یک پیوند ناگسستی با مطبوعات داشته و قبلاً هم این موضوع را آقای دکتر الموتی گفتند. مطلب دیگری که حتماً خواستم یادآوری کنم اینست که خود جناب دکتر استفندیاری همکار گرامی ما که مرد آزاده‌ای هستند از شدت ناراحتی مطلبی راجع به شکجه عنوان فرمودند من مطمئنم که همه نمایندگان و بزرگواران ایران با هر نوع شکجه و زجر در مورد هر شخصی متفر هستند (صحیح است).

۳- تقدیم تذکرنامه بوسیله آقایان: محمدشهرستانی، حبیب بهار، دکتر ضیائی، پروفیسور بغمانی، احمد صبوری، یزدی، مهین‌الشار جعفری.

رئیس - تذکرنامه‌ها به دولت ابلاغ میشود.
۴- اعلام دستور تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه
رئیس - با اجازه خانها و آقایان جلسه امروز را ختم میکنیم جلسه بعد ساعت ۹ صبح روز سه شنبه پس فردا دستور ادامه بحث در برنامه دولت آقای دکتر شاپور بختیار است. (جلسه ساعت هجده و سنی دقیقه پایان یافت)
رئیس مجلس شورای ملی - دکتر جواد سعید